

اکثریت

دوشنبه ۷ خرداد ۱۳۶۹ برابر با ۳۰۶
۲۸ مه ۱۹۹۰ - سال هفتم شماره

نامه مشترک:

* حزب دموکرات کردستان ایران
* سازمان فدائیان خلق ایران
* سازمان فدائیان خلق ایران
* حزب دموکراتیک مردم ایران

به وزرای امور خارجه دولت های ایرلند، ایتالیا و فرانسه

در صفحه ۲

نامه رفسنجانی به صدام حسین

آغاز تحولی جدید در روند مذاکرات صلح

همانطور که در شماره گذشته نشریه گزارش شد، صدام حسین رئیس‌جمهور عراق نامه‌ای را پیرامون آغاز مذاکرات صلح برای رفسنجانی ارسال داشته است که متن این نامه چنانکه در گزارشات خبری جمهوری اسلامی بیان شده مورد بحث و بررسی شورای امنیت کشور، هیئت دولت و نیز کمیسیون سیاست خارجی مجلس قرار گرفته است.

علیرغم عدم انتشار متن نامه فوق، بر پایه اظهارات پراکنده مقامات و مطبوعات دو کشور می‌توان نتیجه گرفت که صدام حسین بار دیگر مقامات ایرانی را به مذاکره مستقیم دعوت کرده است و ظاهراً نیز قرارداد سال ۱۹۷۵ الجزیره را پذیرفته است و این امر که هدم پذیرش قرارداد فوق تا کنون یکی از موانع اصلی حل اختلافات طرفین بوده است، نشانه‌های امیدوارکننده‌ای یافت

کارزار فرهنگی به سبک جمهوری اسلامی

اخیراً خامنه‌ای که علاوه بر نقامت و ولایت مفت به چنگ آمده‌اش، ادعای "فرهنگی" و "هنردوست" بودن هم دارد، در یک سخنرانی گفت که از نظر او، عرصه اصلی مبارزه جمهوری اسلامی با دشمنانش، عرصه فرهنگی است:

"جنگ نظامی تمام شد... یک کارزار فرهنگی و سیاسی آلان در جهان است... کار فرهنگی را، هجوم فرهنگی را با تفنگ نمی‌شود جواب داد."

البته بماند که این حرفها از دهان رهبر رژیمی بیرون می‌آید که انسانهای شریف را تنها به جرم اندیشیدن و گفتن و نوشتن، آماج گلوله‌ها و آونگ دارها کرد، نویسنده‌ای را از فاصله هزاران کیلومتری به خاطر یک کتاب تهدید به قتل می‌کند و قس‌علی‌خدا، اما به هر حال، ولایت فقیه می‌گوید که می‌خواهد در کارزار فرهنگی، "مقابله به مثل" کند و ادعایش این است که به جای تفنگ، به قلم رضایت داده است. از این دروغ شاخدار که بگذریم، بد نیست ببینیم خامنه‌ای چگونه سخنی را به عنوان سلاح، به پیروانش توصیه می‌کند:

"یک صحنه تیردی است آلان

رئیس قوه قضائیه:

متهمین به "بدحجابی" خارج از نوبت محاکمه خواهند شد

پاسداران درگیری و زدو خورد به وجود آمد. مقامات امنیتی رژیم به دنبال وقوع این درگیری نیروی کمکی به محل اعزام کردند تا مردم را پراکنده کنند.

محمد یزدی رئیس توه قضائیه در جلسه مشاور مسئولان این توه در روز ۲۳ اردیبهشت از همه دادسراها و محاکم قضایی خواست تا خارج از نوبت به پرونده متهمین به "بدحجابی" رسیدگی کنند. وی گفت در این مورد دستورالعملی به دادگاهها

با ادامه اوپاشگری‌های مامورین و چاقوکشان رژیم که در اجرای "طرح مبارزه با منکرات" در خیابان‌ها متعرض مردم و بویژه زنان می‌شوند. در میدان فردوسی تهران روز جمعه ۴ خرداد بین مردم و

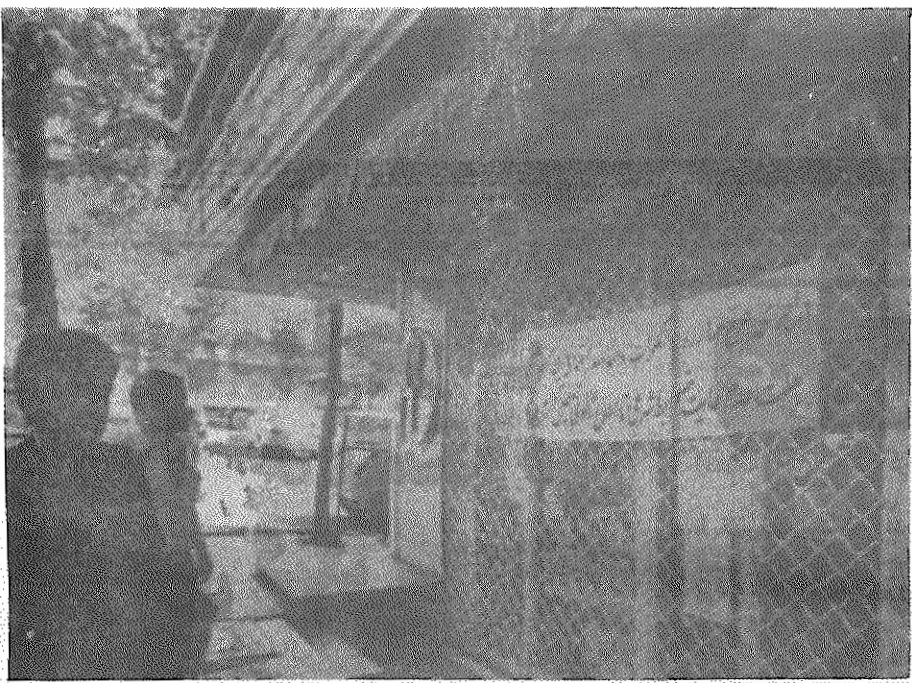
آزایش قوا

پس از یک دور دیگر از رقابت‌های درون حکومتی

در صفحه ۲

محمد مهدی اکبرزاده که روزنامه کیهان او را مسئول "امر به معروف و نهی از منکر" در کمیته معرفی کرده، در شماره ۲۵ اردیبهشت این روزنامه گفته است: "طی روزهای گذشته ۷۰ نفر از کسانی را که در پارک ملت با پوشیدن لباسهای مبتذل و رفتارهای زننده برای خانواده‌ها مزاحمت ایجاد می‌کردند دستگیر کردیم و به دادسرای انقلاب اسلامی تحویل دادیم." بدین ترتیب با توجه به اینکه شمار بازداشتها تنها در پارک ملت بقیه در صفحه ۵

داده شده است تا در زمینه مبارزه با "بدحجابی" با نیروهای انتظامی رژیم، همکاری کامل داشته باشند. یزدی افزود: "محاکم قضایی کشور با آن دسته از افرادی که با ارشاد و نصیحت قابل اصلاح نیستند و رعایت هفت عمومی را نمی‌کنند، باید با تاطمیت برخورد کنند." نخست، مقامات رژیم اعلام کرده بودند که در مرحله اول از دور جدید مبارزه با "بدحجابی" در روزهای پنجشنبه ۲۵ و جمعه ۲۶ اردیبهشت، تنها ۲۰ نفر دستگیر شده‌اند. اما فردی به نام



تهران - فروشگاهی در خیابان آفریقا - بر روی ویترین آن نوشته‌اند: "در اجرای طرح مبارزه با منکرات بخاطر هدم رعایت ضوابط شرعی تا اطلاع ثانوی تعطیل است."

باز هم شرکت‌های مضاربه‌ای

هیچ شرکت یا موسسه‌ای به فیراز بانکها برای انجام عملیات مضاربه رسمیت قانونی ندارد و مسئولیت ضرر و زیان هرکس که اموال خود را به شرکت‌های مضاربه‌ای بسپارد، برعهده خود او است. دادستان تهران از مطبوعات خواسته است از انتشار آگهی‌های شرکت‌های مضاربه‌ای خودداری کنند. وی آب پاک‌ی را روی دست سپرده‌گذارانی که بابت طلب خود از شرکت‌های مضاربه‌ای چک دریافت کرده‌اند ریخته و می‌گوید: "چک‌های تضمینی و مدت دار، هیچ‌گونه ضمانت اجرای کیفری ندارد." اطلاعیه می‌افزاید: "به هجوم شاکیان شرکت‌هایی که پرونده جزایی آنها... مطرح است هشدار می‌دهد از تجمع در مراکز قضایی و انتظامی اکیدا خودداری نمایند."

اطلاعیه دادستانی تهران در حالی منتشر شد که هزاران نفر از کسانی که پول خود را به شرکت‌هایی نظیر "سحر و الیکا" پرداخته بودند، در نتیجه هدم پرداخت بدهی‌های این شرکت‌ها بلا تکلیف مانده‌اند. به گزارش کیهان، در روز سه‌شنبه ۲۵ اردیبهشت صدها طلبکار شرکت "دولت‌خواهان" در برابر دفتر مرکزی این شرکت اجتماع کرده خواستار دریافت سپرده خود شدند. این گزارش می‌افزاید شرکت دولتخواهان نسبت به این خواست واکنشی نشان نداده است.

بقیه در صفحه ۳

بررسی نامه دولت ایران است. وی ضمن ابراز بی‌اطلاهی از نحوه انتقال نامه‌ها بین پایتخت‌های دو کشور گفت: دبیرکل از مبادله نامه‌ها و محتوی آن‌ها مطلع بود، لیکن نامه‌ها از طریق وی منتقل نشده است.

نامبرده افزود: دبیر کل نسخه‌ای از دو نامه مبادله شده بین ایران و عراق را در اختیار دارد. بقیه در صفحه ۲

فلسطین اشغالی، یکپارچه در مبارزه

در صفحه ۷



نوار فزه، دوشنبه ۲۱ ماه مه: یک زن فلسطینی به بازداشت پسرش توسط نیروهای اسرائیلی اعتراض می‌کند

بقیه در صفحه ۳

آزایش قوا پس از یک دور دیگر از رقابت‌های درون حکومتی

نامه مشترک:

* حزب دموکرات کردستان ایران * سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
* سازمان فدائیان خلق ایران * حزب دموکراتیک مردم ایران

به وزرای امور خارجه دولت های ایرلند و ایتالیا و فرانسه

هالی جناب!

طبق گزارش خبرگزاری فرانسه، قرار است چهارشنبه ۱۶ ماه مه، مذاکراتی بین دولت ایران و نمایندگان شما، بنا به درخواست آقای دکتر ولایتی وزیر امور خارجه ایران صورت بگیرد. دستور روز بهیچ وجه در دولت ایران یا بازار مشترک و نیز آزادی گروگان های کشورهای غربی در لبنان و لغو فتوای قتل نویسنده انگلیسی، سلمان رشدی است.

نمایندگان احزاب و سازمان های امضاءکننده این نامه، یادآوری این نکته را ضروری می دانند که اگر دولت ایران در جستجوی بهبود روابط خود با بازار مشترک و سایر دولت های ثروتمند جهان است، اساسا به مناسبت تغییرات واقعی در سیاست های گذشته و اتخاذ روش اعتدال و احترام به حقوق بشر و حقوق بین المللی و رعایت حکومت قانون نیست. محافل حاکمه ایران، تلاش برای بهبود روابط با کشورهای بازار مشترک را برای مقابله با مشکلات مالی و اقتصادی روزافزونی لازم دارند که در اثر ادامه بیجوده جنگ ۸ ساله با عراق وجود آمده و با اتخاذ سیاست سرکوب و اختناق، موجب فرار سرمایه ها و ده ها هزار متخصص و کادر کشور گردیده است.

توجه شما را به این نکته جلب می کنیم که رژیم حاکم ایران، همچنان بعد از مرگ خمینی به ترور سیاسی در داخل و ترور ریس بین المللی ادامه می دهد و شاهد آن ترورهای بی سابقه رهبران احزاب و سازمان های سیاسی مخالف رژیم در خارج از کشور است که بیش از ده نفر از رهبران اپوزیسیون را در برمی گیرد. ترور دکتر قاسم دبیور کل حزب دموکرات کردستان ایران در یکسال پیش و ترور اخیر کاظم رجوی، نماینده شورای ملی مقاومت در سازمان ملل متحد، شاهد آنست.

گزارش آقای گالیندو پول نماینده ویژه سازمان ملل حاوی داده های فراوانی از نقض حقوق بشر، شکنجه در زندان ها، نبود آزادی های سیاسی در ایران است. ما، سازمان ها و احزاب امضاءکننده این نامه، از آزادی گروگان ها در لبنان و لغو فتوای قتل سلمان رشدی، قاطعانه پشتیبانی می کنیم و آرزوی تحقق آنها را داریم. در همین حال تاکید داریم مادام که تغییر و تحولات سیاسی در ایران برقرار نشود، و به رژیم استبدادی کنونی پایان داده نشود، مردم ایران و دولت های منطقه و جهان از تحریکات تروریستی و بنیادگرایی اسلامی دولت جمهوری اسلامی، محض نخواهند ماند. ما از شما و از طریق شما از همه کشورهای عضو بازار مشترک انتظار داریم، بخاطر یکی دو ژست حساب شده دولت ایران و یا بخاطر چند معامله اقتصادی، به استمرار و تثبیت رژیم خونخوار جمهوری اسلامی یاری نرسانند و در هر اقدامی در رابطه با دولت ایران، بر ضرورت رعایت حقوق بشر و استقرار دموکراسی در ایران تاکید ورزیده و خواستار اقدامات مشخص دولت ایران باشند.

با احترامات فائقه
پاریس ۱۲ مه ۱۹۹۰

ملاقات نمایندگان وزارت خارجه ایران با نمایندگان بازار مشترک اروپا

ایرانی در مذاکرات با نمایندگان بازار مشترک اروپا اشاره داشته است. او در همین مصاحبه ناچار شد که به مشکلات سیاسی موجود میان طرفین اعتراف کند و بگوید بعضی از مشکلات موجود سیاسی فیما بین به علت عدم درک صحیح بازار مشترک از اثرات منفی توهم نویسنده مرتد کتاب موهن آیات شیطانی به اسلام ناشی شده است.

در همین مصاحبه همچنین آشکار شد که موضوع گروگان ها در لبنان و دخالت جمهوری اسلامی در این قضیه یکی از موارد اختلافات و موضوعات مورد بحث بوده است که مانع از دستیابی رژیم به نتایج مثبت در این مذاکرات شده است.

نامبرده دلایل تشکیل اجلاس فوق را تغییرات پس از بحران سال ۶۷ در مناسبات میان کشورهای بازار مشترک و ایران دانست. وی گفت: کشورهای عضو بازار مشترک با بازگرداندن سفرهای خود به گسترش رابطه با ایران تاکید کردند و چون ایران نیز بگسترش رابطه علاقه مند بود، برگزاری اجلاس دولین تدارک دیده شد.

امینتی طرح جدید شورای امنیت و لایحه اقدام نیروهای انتظامی بررسی گردید. مسائل باصطلاح منکرات، بی بندوباری و بدحجابی و نحوه برخورد با آن ها و مسائل و مشکلات جوانان از موضوعات طرح شده در کمیسیون اجتماعی اعلام شد.

می مرد، معلوم نبود جانسین او بتواند جام زهر را بنوشد. در مورد سایر معضلات هم چنین است. هم او و هم خطامای های دو آتشه، این نکته را بخوبی دریافته اند. اکنون سخنان خامنه ای به تکرار ساده موضوعی های خمینی تبدیل شده اند. با این تفاوت که در مقاطعی، خمینی تصمیمات تعیین کننده برای تغییر سیاست ها می گرفت، و خامنه ای توان این کار را لاقط تا به حال نداشته است.

دور اخیر رقابت ها، به تثبیت گروه بندی های عمده موجود درون حکومت کمک کرده است.

نامه رفسنجانی به صدام حسین

آغاز تحولی جدید در روند مذاکرات صلح

بقیه از صفحه اول
هلاوه بر منابع فوق، خبرگزاری ها از قول منابع دیپلماتیک عرب اعلام داشتند پاسخ ایران به نامه اخیر دولت عراق هلیرقم اعتراض به محل برگزاری کنفرانس سران دو کشور مثبت است.

همین منابع گفته اند: تهران در پاسخ خود پیشنهاد کرده است که کنفرانس مذکور در پایتخت یک کشور بیطرف تشکیل شود و نمایندگان از دو کشور قبلا مقدمات آن را فراهم سازند. منابع مذکور پیش بینی کرده اند که پایتخت فوق ممکن است مسکو باشد که در ماه ژانویه گذشته دست به ابتکار از سرگیری مذاکرات صلح میان ایران و عراق زد.

لازم به تذکر است که شورای پیشنهاد تشکیل اجلاسی از وزرای خارجه دو کشور را با مشارکت وزیر امور خارجه شوروی مطرح کرده بود که عراق ایران با آن موافقت کرده بودند. منابع دیپلماتیک عرب همچنین پیرامون پیشنهادات ارائه شده در نامه صدام اظهار کرده اند که بر اساس پیشنهاد

تشکیل سمینار معاونین سیاسی - امنیتی استاندارها برای چاره جوئی

پیش مجلس دخالت مسئولین امر منجر به درگیری های شدیدی میان جناح های مختلف حکومتی جهت افشای اعمال نفوذ هر یک از باندهای حاکم برای برگزیده شدن نمایندگانش در مجلس گردید. بهمین دلیل وی در این سمینار از پیش بعنوان مجری و سخنگوی یک جناح در مقابل با جناح "تندرو" اعلام اتمام حجت کرد و گفت: "ما مجری امر انتخابات هستیم و به هیچ عنوان به ما مربوط نیست که چه کسی به مجلس راه پیدا می کند و هر کسی که صلاحیتش توسط شورای نگهبان تأیید شود، صلاحیت شرکت در انتخابات را دارد."

وی سپس خطاب به سایر دست اندرکاران انتخابات افزود: "توصیه می کنم که آنها هم در امر انتخابات اعمال نظر نکنند و اجازه بدهند انتخابات با سلامت کامل برگزار شود." سمینار اخیر به مدت سه روز در چهار کمیسیون اصلی یعنی -امنیتی، اجتماعی و مرزی بکار خود ادامه داده است. مهمترین موضوع مورد بحث در کمیسیون سیاسی، پیرامون احزاب سیاسی و تشکل های صنفی

خودکند. رفسنجانی که معاونش شاید به اشاره خود او مقاله جنجال برانگیز "مذاکره مستقیم" را در روزنامه اطلاعات نوشت، بار دیگر دریانت که به این زودی ها نخواهد توانست مشی مطلوب خود را در سیاست خارجی پیش برد. بعد از این عقب نشینی تمهیلی، قابل انتظار است که چشم امید رفسنجانی و وزارت خارجه اش به تلاش های جاری برای پیشرفت مذاکرات صلح با عراق باشد. اگر عراق واقعا خاطر به پذیرش قرارداد الجزیره باشد، و این امر بتواند گشایشی در امر صلح پدید آورد، دیپلماسی جمهوری اسلامی که تحت رهبری رفسنجانی است، به موفقیت بزرگی دست می یابد که زمینه ساز گام های بعدی دولت رفسنجانی در عرصه سیاست خارجی خواهد شد. اما گزارش ها، تردیدآمیزتر و مشکلات بزرگتر از آنند که بتوان از هم اکنون در این مورد به پیش بینی معینی رسید.

در سیاست داخلی، رفسنجانی و دولتش در همه عرصه ها دچار بن بست شده اند. سیاست های اقتصادی جدید بی نتیجه مانده اند. قیمت ارز به بالاترین حد خود پس از جنگ رسیده است. افسانه انعطاف پذیر شدن جمهوری اسلامی در مسائل اجتماعی با دور جدید یورش برای تحمیل حجاب، چون حجاب ترکیده است. به نظر می رسد بدون تغییر عمده در مناسبات خارجی جمهوری اسلامی و حل قطعی مسئله صلح، هیچگونه موفقیت پایدار اقتصادی تحقق پذیر نباشد. از سوی دیگر، تا چنین موفقیت هائی حاصل نشود، رفسنجانی از اقتدار لازم برای قبولاندن انعطاف های لازم در سیاست خارجی به مجموعه حاکمیت، برخوردار نیست. معلوم نیست این سلسله زنجیر دایره وار هلت ها و معلول ها، چه زمانی و به سود چه کسی گسسته شود.

خامنه ای به تقلید از خمینی می خواهد نقش عنصر ایجادکننده تعادل را در درون حکومت ایفا کند. اما به همان نسبت که از خمینی بی نفوذتر و بی اعتبارتر است، در اجرای این نقش ناموفق تر خواهد بود. در زمان حیات خمینی، اگر جناح معینی می توانست نظر مساعد "رهبر" را نسبت به اقدامی جلب کند، آن اقدام هر قدر هم که به دیگران گران می آمد، شدنی بود. اگر خمینی زودتر از پایان جنگ

کمک های مالی رسیده از کانادا

با کمک به جنبش کردستان از تورنتو
تقدیم به خانواده زندانیان سیاسی از تورنتو
آرش - روزه از ادمونتون
تقدیم به خانواده زندانیان سیاسی از تورنتو

از بلژیک	بیاد مبارز شهید عبدالرحمان قاسملو
۶۰۰ فرانک بلژیک	۴۰۰ دلار
۵۰۰ فرانک بلژیک	۳۳۰ دلار
۸۰۰ فرانک بلژیک	۱۵۰ دلار
۱۰۰۰ فرانک بلژیک	۲۱۲ دلار
۳۵۰ فرانک بلژیک	
۵۰۰ فرانک بلژیک	
۱۴۲۵ فرانک بلژیک	

با جمع آوری کمک های مالی فدائیان خلق را در انجام وظایف خودیاری دهید!

کارزار فرهنگی به سبک جمهوری اسلامی

بتیه از صفحه اول

لطف نیست. ناگفته نماند که اگر برخی درفشانی‌های قلم به دستان حزب‌اللهی را نقل می‌کنیم، صرفاً به خاطر این واقعیت تلخ است که امثال این حضرات، امروز بر مبین بلاکشیده ما فرمان می‌رانند و باید آنها را جدی گرفت، وگرنه این فحاشی‌ها ربطی به فرهنگ ندارد و صفحات هر نشریه‌ای را کوفته می‌کند.

فلا وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی بخشی از وظایفش را به ژورنالیست‌های حزب‌اللهی واگذار کرده است تا آنچه از کار فرهنگی امروز را که کم و بیش از زیر تیغ سانسور جان سالم یا نیمه سالم به در می‌برد و با قلبه بر کوهی از مشکلاتی مانند کمبود کافدز، در نشریات داخل کشور چاپ می‌شود، به زیر حملات "فرهنگی" بگیرند. این آقایان مکتبی از رهبران دستور دارند با نظایر شاملو و دولت‌آبادی و گلشیری، "مقابله به مثل" کنند. در این کارزار، یکی از برادرانی که قلم او از توپ و تفنگ هم آتشین‌تر است، ظاهر ایوسفعلی میرشکاک نام دارد. در صفحه "اندیشه‌ها" می‌کشان می‌نویسد و خودش می‌گوید که مخالفان، به او میرشکاک و میرسفاک لقب داده‌اند. در روزنامه ۶۸ اسفند ۶۸، مقاله‌ای بلند بالا علیه قلمی بسیار مترجم دارد. سیار در شماره پاییز ۶۸ دنیای سخن، در گفتگویی از انکار جلال آل‌احمد انتقاد کرده بود و به همین جرم، توسط مقاله‌نویس مکتبی کیشان "سلطنت طلب چرخ نکره پر چرب" نامیده شد. میرشکاک یاهر کس دیگری که این نام را برگزیده، در توضیح می‌نویسد:

"به سوپرهای لیبیاتی اگر رفته باشید دیده‌ای که پر و پاگانند کرده‌اند به نستعلیق، شیر چرخ نکره - ماست پرچرب. فتنال! امثال شاملو سلطنت طلب چرخ کرده‌اند و کم چرب. چرا که مشتاقان باز شده است و اینجا که تازه براه افتاده‌اند و یا به تیر نه مویدا مشغولند یا به دریوزه نوبل اروپاگردی می‌کنند. همین امروز توزیع شده‌اند، تاریخ هم دارند. هکس یک گاو هلندی هم روی شیشه است."

از این گونه سخنان گهربار در مقاله فراوان است. در همان جمله اول، میرشکاک گفته‌های سیار را "آروغ‌های روشنگرانه" می‌نامد و خود مترجم را "پتیاره سیاسی فرهنگی" سپس نویسنده حزب‌اللهی، محمود دولت‌آبادی را که در سال گذشته سفری به هلند برای ایراد سخنرانی در آکادمی سلطنتی آن کشور داشت، خطاب قرار می‌دهد و می‌گوید: هلند می‌روید چه کنید؟ نمایندگان تمام آکادمی‌های سلطنتی در همین تهران به شما خوشامد می‌گویند. کافی نیست که در موزه نوبل در اروپا از درباری به دربار دیگر پورتمه بروید، دست همین دکتر سیار را ماچ کنید... شما را مستقیماً به دکتر یارشاطر می‌سیار و یارشاطر هم شما را بار قاطر سلطنت خواهد کرد و تحویل رضا پهلوی خواهد داد. "انسان سوم" خود در هلند، حیثیت ملی خود را بر باد داده مقاله نویس کیشان که گویی لیستی از

جایی گرفته و می‌خواهد تند و تند همه نویسندگان و شعری این لیست را به صلابه بکشد، احمد شاملو و پرویز ناتل خانلری را هم بی‌نصیب نمی‌گذارد. سپس چند پاراگراف فحش به سیار می‌آید که قلم از تکرار آن شرم دارد... هوشنگ گلشیری همه به "حیثیات" متهم می‌شود و سیمین دانشور هم به جرم "تنها گذاشتن جلال" سهم خود را می‌گیرد.

نمونه دیگر، مقالات مندرج در صفحه "فرهنگ و اجتماع" روزنامه جمهوری اسلامی، شماره ۱۸ فروردین ۱۳۶۹ است.

از قول یک خواننده حزب‌اللهی، "رنج‌نامه" سوزناکی چاپ شده که در آن، نویسنده از "قریب ماندن" امت شهیدپرور در جامعه‌ای که الگوی آن "وشین" است می‌گوید و می‌افزاید: "بعضی دخترهای مدرسه‌ای، نمی‌دانم از کدام پدر سوخته‌ای یاد گرفته‌اند که برای عقب نماندن از قافله اجتماع مختصری هم شده زلف "اچغ و چغ" شان را از مقنعه "آخرین مد" بیرون بگذارند." در ادامه آمده است:

"به سازی از استاد... گوش می‌دهم. آهنگساز، استاد... خواننده، استاد... تنظیم از استاد... استاد... استاد... جای استاد مطهری‌ها و استاد محمدتقی جعفری‌ها خالی‌تر از گذشته است. آیا کسی به فکر نیست؟"

بعد، حزب‌اللهی فمگین ناگاه به وجد می‌آید و خطاب به برادران خود می‌گوید:

"گرچه کمتر از گذشته به فکرند اما تا شما هستی که نه تقلید و نه ضعیف، به حول و قوه الهی پیروزید و دندان ابتال می‌شکنید، که مشت شما پیش‌تر از اینها، دندانهای زیادی شکسته (چه سخن درستی!) و بازوی شما پوزه‌های زیادی را به خاک مالیده است. گوشتان بدهکاز حرفهای مصلحتجویانه نباشد. حکم خدا که تقض شد سیلی آبدار را آماده کنید و هر چه می‌توانید محکم‌تر بزنید."

در کنار این دعوت رزمجویانه، یادداشتی تحت عنوان "ویار دمکراسی" علیه ماهنامه آدینه و سلسله مقالات آن درباره نیکاراگوئه آمده است. به زعم نویسنده، انگیزه شخصیت‌هایی که در آدینه پیرامون انتخابات نیکاراگوئه اظهار نظر کرده‌اند، چنین است:

"از میان ۳۷ انقلابی که از زمان انقلاب فرانسه تا کنون رخ داده تنها در یک انقلاب، وزارت ارشادی وجود داشته که برای مزدوران هم تسهیلات چاپ دشنام و توهمین به انقلاب فراهم کرده است... حالا توقعشان بالاتر رفته و هوس میوه دمکراسی آنهم به سبک آمریکایی کرده‌اند... ویار، ویار، ویار... چه میوه ترش و شیرین، چه میوه دمکراسی!!"

در شماره‌های ۱۱، ۱۶ و ۱۷ اردیبهشت کیشان، سلسله آموزش‌های ادب و فرهنگ به قلم "سرباز گمنام" حزب‌الله در هر صه فرهنگی که میرشکاک نام دارد، ادامه می‌یابد. این برادر تنها از خواندن یک شماره دنیای سخن (شماره ۲۹ - پاییز ۶۸) آتچنان به خشم آمده که چهار صفحه کیشان را تا به حال سیاه کرده و حداقل سه ماه از وقت گرانبایش را به دادن

انهقاد قرارداد ۴ میلیارد دلاری میان ایران و اتریش

دکتر ولفگانگ وزیر امور اقتصادی اتریش به امضا رسیده است.

بر مبنای این یادداشت تفاهم هر دو کشور در زمینه‌های صنایع، کشاورزی، حمل‌ونقل، بازرگانی، معدن، نفت، فرهنگی، تحقیقاتی و فیزی با هم همکاری خواهند داشت.

بر پایه اظهارات وزیر صنایع ایران اجرای در حدود ۱۰۰ پروژه به امضا رسیده است.

نعمت‌زاده که روز شنبه ۲۹ اردیبهشت به تهران بازگشت در یک مصاحبه همچنین فاش ساخت که جمهوری اسلامی قصد دارد از

در پی سفر یک هیئت بلندپایه اقتصادی متشکل از نمایندگان از وزارت خانه‌های نفت، معادن و فلزات، بازرگانی، پست و تلگراف و تلفن و کشاورزی به سرپرستی نعمت‌زاده وزیر صنایع حکومت اسلامی به اتریش جهت شرکت در اولین اجلاس کمیسیون اقتصادی این دو کشور، طرفین یک قرارداد همکاری در بخش‌های مختلف صنعتی، تجاری، علمی و فنی به حجم ۴ میلیارد دلار منعقد نمودند.

یادداشت تفاهم میان دو کشور در محل وزارت امور اقتصادی اتریش توسط نعمت‌زاده

طرح قانونی مجازات "محرترین و متصرفین" آثار خمینی

و جعل نظریات خمینی دانستند به مجلس بردند.

در ادامه این کارزار مجلس آخوندی در جلسه هلنی روز چهارشنبه ۲۶ اردیبهشت پیرامون طرح فوق به شور و مشورت نشست و دو ماده از "طرح قانونی نحوه حفظ آثار و یاد حضرت امام خمینی" را به تصویب رساند. مطابق ماده یک مصوب "هر کس در آثار مکتوب یا

در پی درگیری‌های جناح‌های مختلف حکومتی و استفاده رسالتی‌ها از نظریات خمینی برای طرح عقاید خود، جناح مخالف نیز با انتشار یک نامه خواستار دخالت احمد خمینی برای جلوگیری از "مسخ اندیشه‌ها و مواضع امام" شد. جناح "تندرو" همچنین طرحی قانونی را برای محدود کردن جناح مخالف جهت جلوگیری از آنچه که آن را تحریف

پاسخی تند و تیز اختصاص داده است. همه استادها و نقل قول‌هایش از همین یک شماره دنیای سخن است که علاوه بر گفتگو با فلامعلی سیار، سخنرانی "انسان سوم" دولت‌آبادی و مصاحبه با گلشیری نیز در همان چاپ شد.

مقالات سه‌گانه اردیبهشت ماه، علیه محمود دولت‌آبادی است. کلیشه‌ای که برادر میرشکاک در متن مقاله‌اش چاپ کرده است، نشان می‌دهد که حزب‌اللهی با فرهنگ جا، سرش به جایی بنداست که به اسناد ساواک دسترسی دارد. (کلیشه مزبور، گویا نامه‌ای است که دولت‌آبادی در سال ۵۴ از زندان قصر به فرج پهلوی نوشته و خواستار آزادی خود شده است.)

یوسفعلی میرشکاک مقالات خود را با مقدمه‌ای که لاید خودش در هنگام نوشتن آن گمان می‌کرده شاهکار است، شروع می‌کند و خطاب به نویسندگان و شعری می‌گوید:

"پایان کار شما و فرو ریختن دیوارهای دوران شما، دوران تجدیدطلبی و اصالت انسان، نزدیک‌تر از مرگ من است." مقاله نویس حزب‌اللهی، با اصالت انسان مخالف است. خوب است لااقل خودش هم می‌گوید، بعد ادامه می‌دهد:

"شما و روشنفکرانی که برویتان آفوش گشوده‌اند و فلسفه‌دریانی که اسلام را به نفع "جامعه باز" صادره می‌کنند، همدستان شرکت‌های مضاربه‌ای هستید. سرمایه‌وران، نان مردم را می‌دزدند و شما ایمان آنان را." این هم یک مورد دیگر برای شکرگزاری، چون بالاخره فهمیدیم برای امت شهیدپرور، ایمان هم سرمایه‌ای است که می‌توان به مضاربه گذاشت!

برادر حزب‌اللهی قلم به دست، می‌گوید امثال دولت‌آبادی، نباید در مسائل اجتماعی دخالت کنند: "زمان و داستان، هر صه تخیل است و نه تفکر." را لابد این نقدنویس چیره دست، "کلیدر" را همانگونه خوانده که زمانی داستان امیر ارسلان و کتابهای "مایک هامر" را می‌خوانده است، چون معتقد است در مسائل مربوط به انسان، "از سرگرمی‌آفرینان (اهل اشتغال به تخیل) کاری ساخته نیست" و می‌افزاید:

"بنده تا کنون به استثنای تولستوی و داستایوفسکی (منظورش داستایوفسکی است) و تا حدودی سارتر و کامو در میان رمان‌نویسان اهل تفکر ندیده‌ام و بسا که... این دوتن و حتی آن دوتن نیز اهل تفکر نباشند." آری، تفکر یعنی قلمفرسایی در باب شکایات و احکام طهارت، نویسنده هم یعنی کسی که برای پرکردن ساعات فراغت، مثل می‌نویسد.

میرشکاک، پس از سه شماره فحاشی به دولت‌آبادی و وارد آوردن این اتهام به او که در برابر قرب "احساس حقارت" می‌کند، می‌نویسد:

"قرب گاوی است فربه و ما شیرانی گرسنه، هنگامی که جوامع از لوٹ و جود امثال سلمان رشدی و تو و شاملو الخ پاک شوند... خواهی دید که این گاو در هم شکسته خواهد شد."

مطالعه فرمایش‌های حزب‌اللهی‌ها، حداقل این فایده را دارد که به مصداق "آموختن ادب از بی‌ادبان" در بابیم که باید فرهنگ ایران فردا را، با عناصری بسازیم که از هر گونه شباهت و نزدیکی به آثار این چماقداران قلمی میرا باشد.

باز هم شرکت‌های مضاربه‌ای

زمینه واقعی برای دو برابر کردن سرمایه ظرف دو سال وجود داشته و دارد. صاحبان شرکت‌های مضاربه‌ای، اکثرًا نوکیسه‌هایی هستند که از این زمینه واقعی برای فربه شدن ظرف کوتاه‌ترین مدت، استفاده کرده‌اند. آنها توانسته‌اند

میلیاردها تومان نقدینگی بخش خصوصی را که بر اثر چاپ بی‌پشتوانه اسکناس (تحت عنوان "استقراض دولت از سیستم بانکی") و تأمین مخارج جنگ از این طریق ایجاد شده است، در دست خود متمرکز کنند. مسئولیت ناسامانی اوضاع اقتصادی و کل‌آلود کردن آبی که "تجار محترم" و بندبازانی مانند صاحبان شرکت‌های مضاربه‌ای از آن ماهی می‌گیرند، در وهله اول برعهده رژیم جمهوری اسلامی است. این رژیم است که ارزش کار شرافتمندانه و مولد را آتچنان کاهش داده که حقوق یک کارگر متخصص از سود مبلغی معادل قیمت یک اتومبیل به مراتب کمتر است. این رژیم است که سالها دست همین مضاربه‌چی‌ها را در خرید و فروش بورس‌بازی و سایر طرق کسب سود بازگذاشته و اکنون سپرده‌گذاران خرده‌پارا

به‌امان خدارها می‌کند. سال پیش برمی‌گردد. با یک حساب سرانگشتی معلوم می‌شود که هر شرکت مضاربه‌ای تقریباً طرف دو سال معادل اصل سرمایه سود می‌پرداخته‌اند و بنا بر این، حساب آقای دادستان جور در نمی‌آید. مطبوعات خط امامی و مقامات حکومتی که درباره شرکت‌های مضاربه‌ای سرو صدا کرده‌اند، فعالیت این شرکت‌ها را نوهی کلاهبرداری وانمود می‌کنند که گویا هدف مبتکران آن، جمع کردن پول این و آن و سپس گریختن و حیف و میل اموال بوده است. در تبلیغات مخالفان درون حکومتی شرکت‌های مضاربه‌ای، حتی اشاره‌هایی هم به این نمی‌شود که کار این شرکت‌ها با هیچ مورد از قوانین شرع مغایرت نداشته است.

شرکت‌های مضاربه‌ای در طول چند سال این سودهای کلان را به سپرده‌گذاران خود پرداخته‌اند و بیهوده نبود که "جنبش مضاربه" تا این حد فراگیر شد و حتی - به نوشته مطبوعات - دانشجویانی را در برگرفت که با گذاشتن ۲۰۰ - ۳۰۰ هزار تومان ارث یا کمک پدری به مضاربه، مخارج خود را تا حد بخور و نمیر تامین می‌کردند.



تهران - ۲۵ اردیبهشت - طلبکاران شرکت مضاربه‌ای دولتخواهان برای دریافت سپرده‌های خود در برابر دفتر این شرکت اجتماع کرده‌اند

خبرها و نظرها

فراخوان نامه مردم

نشریه نامه مردم در چند شماره اخیر خود، نیروهای آزادیخواه کشور را به مبارزه برای نجات جان نورالدین کیانوری و مریم فیروز فراخوانده است. در این فراخوان نوشته شده است:

«هم میهنان! آزادیخواهان! برای نجات جان نورالدین کیانوری و مریم فیروز دست یاری بسوی شما دراز می‌کنیم. جان رفقا نورالدین کیانوری و مریم فیروز در معرض خطر جدی است. این دو زندانی سیاسی از فروردین ماه سال جاری ممنوع‌الاعلام شده‌اند. ما از شما می‌طلبیم برای نجات جان این دو شخصیت سیاسی و اجتماعی که سراسر زندگی خود را ندادگانه صرف پیکار در امر زحمتکشانش کرده‌اند و همچنین آزادی همه زندانیان سیاسی بانگ اعتراض خود را ستر سازید.»

تدارک تشکیل کنگره فوق العاده

هیات اجرایی کمیته مرکزی سازمان فدائی با صدور اطلاعیه‌ای تصمیم خود مبنی بر برگزاری کنگره فوق العاده سازمان و آغاز تدارک این اجلاس را اعلام کرد. مطابق این اطلاعیه، موضوعات در دستور این اجلاس عبارت خواهد بود از:

۱- ارائه گزارش کمیته مرکزی از اوضاع عمومی سازمان پس از انشعاب

۲- بررسی و تصویب گزارش سیاسی کمیته مرکزی از اوضاع سیاسی جامعه

۳- جمع‌بندی نهائی مباحث مربوط به سیاست‌های ائتلافی و اتحاد عمل‌های مبارزاتی در جنبش کمونیستی ایران

۴- تکمیل اساسنامه سازمان (برخورد نهائی به پیشنهادات رسیده به دو اجلاس کنگره سازمان)

۵- نقد و ارزیابی از عملکرد سازمان فدائی از کنگره وحدت تا کنگره فوق العاده

۶- بررسی نقد عملکرد گذشته دو سازمان فدائیان خلق ایران و آزادی کار ایران بر مبنای مصوبه نخستین کنگره سازمان

۷- انتخاب کمیته مرکزی و کمیسیون بازرسی

نامه سرگشاده جمعی، به ریاست جمهوری

چیزی که مقامات و مسئولان تیشه به ریشه‌اش زده‌اند، قانون است

و حکومت قانون و ملت

مانده، در همین رقابت و ترس از یکدیگر چاره راهی برای کامیابی بر مسائل پیچیده و مسائل بهم آمیخته و برای بهبود و بقا منافع ملی خود جز تفاهم و تبادل افکار و همگامی و همکاری نیافته است.

جناب آقای رئیس‌جمهور، باتوجه به مراتب فوق، از جنابعالی که مسئولیت اجرایی و اداره مملکت را عهده دارید می‌خواهم که با صداقت و سرعت اقدامات ذیل را سرلوحه اندیشه و اعمال خود و حاکمیت قرار دهید:

۱- جلوگیری از خلفا و خرابیها و انعقاد قراردادهای اسارت‌آور با بیگانگان بدون نظارت ملی.

۲- بازگرداندن حقوق قانونی مردمی که در فصول سوم تا پنجم قانون اساسی تصریح گردیده است به مردم و جلوگیری از سیاستهای سرکوبگرانه بعضی از نهادها.

۳- آزاد گذاردن و تامین فعالیت احزاب و جمعیت‌های سیاسی و مطبوعات که فعالیت قانونی و هلنی دارند. فرصت دادن خالی از دغدغه و آزار برای بحث و گفتگو و برخورد آراء و عقاید بمنظور حل مشکلات و معضلات مملکتی و همکاری صمیمانه مردم و بالاخره امکان استقرار حاکمیت قانونی ملت.

امضاء کنندگان این بیانیه که در گذشته همواره با حکومت‌های خودکامه و انحصار طلب در ستیز بوده‌اند و بسیاری از آنها به زندان و تبعید محکوم گشته‌اند با این که به تجربه می‌دانند که ممکن است پس از انتشار آن از گزند بدخواهان در امان نباشند مع الوصف بر پایه رضای حق و احساس وظیفه و بخاطر سعادت ملت ایران این نامه را به مقام ریاست جمهوری ارسال داشته ایشانشان می‌خواهند که با دستور نشر آن در مطبوعات و رسانه‌های گروهی قدم اول را در اجرای خواسته‌های مردم و تقو سانسور بر دارند و با هتایت و اجرای بندهای سگانه بالا پاسخ سریعی به انتظارات بحق ملت ایران بدهند.

تهران - اردیبهشت ماه ۱۳۶۹

۳- از نظر استبداد، استقلال و بقا و بازسازی کشور

علیرغم کوس پیروزی نهائی جنگ و دفن ابدی استکبار و فتنه در جهان، هنوز بیش از دو هزار و پانصد کیلومتر مربع از خاک و وطن ما در چنگ صدام جنایتکار بوده و معلوم نیست تا کی حالت خفقان آور آنه جنگ و نه صلح، سرگردانی اسیران دو طرف، نگرانی از یورش ناهنگام مدعیان داخلی و خارجی و گردش‌های ناهنجار روزگار، باید ادامه داشته باشد؟ بدون آنکه آبادی و رفاه و بازسازی موعود و بازگشت ایران به حرکت و حیات صورت جدی و امید بخش به خود گرفته باشد.

علیرغم وعده‌های به مستضعفین و شعارهای پرطنین، طبقات محروم جامعه محروم‌تر و زیاده‌تر شده‌اند، در چنگال گرانی و گره‌های زندگی گرفتار و از آینده خود مایوس‌تر.

گرانی تصاعدی معیشت و فارت سرسام‌آور یک اقلیت وابسته به حاکمیت از یک طرف و محرومیت‌ها و تنگناهای کمر شکن اکثریت از طرف دیگر، اختلاف طبقاتی و جدائی و کینه‌ورزی را به حد اعلای رسانده است.

۴- از نظر روابط جهانی و سیاست خارجی اتخاذ هدف‌های احساسات‌آمیز افراطی خارج از خواسته‌های نخستین انقلاب و اسلام، سیاست‌های ناخردانه و بالاخره ناتوانی مسئولین و نادرستی روش‌های پیروی شده در سیاست خارجی، کشور پر افتخار ایران را به بدترین انزوای سیاسی انداخته است. بدنامی و بی‌اهمیتی بین‌المللی را نصیبمان کرده است، و ما را در معرض دائمی توطئه‌های تلافی‌گرا قرار داده است. علاوه بر این، از تباطو احترام و استفاده از جریان‌های بین‌المللی محروم گشته‌ایم، آنچه در دنیا بهم پیوسته دهشتناکی که ملت‌های قالب و مغلوب جهان را، پیش رفته و عقب

تیمان صورت و آم و مشارکت و به بهای از دست دادن استقلال و حیثیت کشور بسوی صنایع و سرمایه‌ها و سردمداران فاسد آنها دراز کرده است و هم برای اجرای آتش‌بس به خروج از حالت نه جنگ و صلح امید و آبروی خود را به زیر سایه رفت و لطف شورای امنیت و قدرتهای بزرگ برده است!

۲- از نظر آزادی و امنیت و از نظر معنوی و مدیریت

از آزادی‌های عمومی و امنیت‌های سیاسی و قضائی و اقتصادی و از حاکمیت قانون و ملت آنطوریکه در قانون اساسی مصوبه آراء عمومی سال ۵۸ تعیین و تضمین شده است چیزی جز خاطرات و آرزو باقی نمانده است. بندهای اختناق و انحصار سال به سال تنگ‌تر و تیزتر شده است. نظام جمهوری با گام‌های بلند خصوصاً بعد از بازنگری و اختیارات مافوق قانونی که رهبری و حاکمیت به خود داده‌اند سیر تقمقرائی و ضد انقلاب و به استبداد مطلقه و به سلطه و به سلطنت موروثی روحانیت نموده است.

در زمانی چنین سیر تقمقرائی و خودکامگی و اختناق در کشور ما روی می‌دهد که رهبران ستمگری و اسارت کمونیزم و فاشیسم با واقع نگری و جوانمردی از انحصار طلبی استعفا داده و به آزادی ملت‌ها و کثرت گرایی بازگشت نموده‌اند و در اروپای شرقی و در قاره‌های عقب افتاده امانت آزادی و حقوق انسانی را به صاحبان نشان بر میگرداندند. از شیلی تا روحانی همه جا پرچم آزادی و حاکمیت مردمی به احتراز در آمده است و در حالیکه در کوچه‌های دور افتاده همبالیای مردم نیال تدارک چش پیروزی بر استبداد را می‌بینند، حاکمیت ما با خونسردی و تظاهر به استواری نظاره‌گری می‌نمایند و به شعار دادن و ترویج شخص پرستی ادامه می‌دهد.

با بیای زوال آزادی و امنیت، دو مصیبت دلخراش تر نیز دامنگیر ملت شده است. یکی انحطاط معنویت در زمینه‌های دینداری و اخلاق و وطن دوستی و دیگر آشفتنگی و از هم گسیختگی مدیریت یا حکومت کشور.

گونه آشکار و علیرغم وظایف و برنامه‌ها و پیشنهادها، تیکه از ناحیه رهبری و متولیان در راستای اجرا و اشاعه اسلام در ایران و در اقطار جهان پیش گرفته شده است، هلاکت و اعتقاد به دین و آئین و احکام اسلامی در اکثریت وسیعی از مردم ایران خصوصاً در جوانان تنزل فاحش یافته است. دوستی و درستی و راستی که از لوازم عشق به زندگی و بقا و ترقی است دچار تردید و تزلزل گردیده است. احساس تعهد و خدمت و فداکاری در قبال میهن و هم میهنان که قبل از انقلاب رشد محسوس پیدا کرده بود جای خود را به سر خوردگی و بی‌تفاوتی و احيانا بدبینی و بدخواهی داده است.

۱- از نظر اقتصادی و اجتماعی

بر شما و احدی پوشیده نیست که کشور ایران در اثر سالها جنگ خارجی، خروج از آرمانها و اهداف انقلاب و سوء مدیریت مسئولین و متصدیان دست به گریبان بی سابقه‌ترین بحران اقتصادی شده است که تاوان ما در تورم، بیکاری، کاهش تولید و تاراج سرمایه‌های خدادادی می‌باشد. درآمد سرانه کشور به نرخ ثابت به کمتر از نصف سال ۵۶ تنزل یافته است. گرانی تصاعدی معیشت و فارت سرسام‌آور یک اقلیت وابسته به حاکمیت از یک طرف و محرومیت‌ها و تنگناهای کمر شکن اکثریت از طرف دیگر، اختلاف طبقاتی و جدائی و کینه‌ورزی را به حد اعلای رسانده است. همگی نگران از سرنوشت خویش و مملکت‌اند و جوانان و کارکنان به دامن اعتیاد، ارتشاه و فساد و فحشا افتاده‌اند!

مردم ایران می‌خواهند بدانند چه جریان‌ها و چه کسانی سرمایه‌های عظیم ملی را که یک رقم آن ۱۷۰ میلیارد دلار درآمد نفت است به باد داده‌اند؟ تا آنجائیکه وزیر دارائی در مجلس می‌گوید کسری بودجه سال ۶۸ معادل کل درآمدهای ایران با اضافه ۷۶ میلیارد تومان بوده است!

مردم ایران می‌خواهند بدانند چه اشتباهات و سوسایستما باعث شده است که حاکمیت جمهوری اسلامی ایران پس از آنهمه طعنه و تندبها به ابر قدرتهای غرب و تبری جستن از سازمانهای سیاسی و اقتصادی جهان سرمایه‌داری، هم دست

هفته گذشته نامه‌ای با امضاء ۹۰ تن در تهران انتشار یافت. در میان امضاکنندگان نامه، نام‌هایی چون مهندس عزت‌الله سبحانی، علی اردلان و احمد صدر حاج سیدجوادی به چشم می‌خورد. صدور این نامه با توجه به اسامی امضاکنندگان آن و موضع صریح‌تر آن نسبت به گذشته، انعکاس وسیعی در داخل و خارج از کشور داشت. هاشمی رفسنجانی خود مستقیماً علیه این نامه موضع گرفت و امضاکنندگان آن را ورشکستگان سیاسی خواند که جایی برای عرض اندام ندارند. متن کامل این نامه چنین است:

بنام خدا

جناب آقای رئیس‌جمهور:

بطوریکه همه میدانند انقلابی که در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ در ایران روی داد دنباله حوادث و مبارزاتی بود که زنجیروار از یکصد سال پیش با قیام تنباکو آغاز گردید. هدف این مبارزات بریدن استعمار جهانی و آزادی و رهایی ملت به خواب رفته ایران از بندهای کهنسال استبداد و نادانی و ناتوانی بود و برای رسیدن به آزادی و استقلال و عدالتخواهی در این رهگذر دو سلسله قاجاریه و پهلوی از قدرت برکنار شدند. امیدو انتظار ملت چنین بود که با انقلاب اسلامی ایران سرانجام نور آزادی و عزت و استقلال و عدالت‌الهی بر ظلمت جهل، اسارت استبداد، ذلت فقر و سلطه بیگانگان غلبه خواهد کرد. اما صد افسوس که در دوازدهمین بغار انقلاب جای آزادی و رضایت و رهایی خالی است و از نظر اقتصادی و سیاسی بیش از هر زمان دست بسته و دست به سینه شده‌ایم.

متأسفانه تذکرات و هشدارهای ناصحان و خیرخواهان نادیده گرفته شده است و اکنون کشور عزیز ما در بن بست بحرانی از سختی و ناخوشنودی و نابسامانی دست و پا می‌زند. علیرغم وعده‌های به مستضعفین و شعارهای پرطنین، طبقات محروم جامعه محروم‌تر و زیاده‌تر شده‌اند، در چنگال گرانی و گره‌های زندگی گرفتار‌تر و از آینده خود مایوس‌تر، ملک و ملت به لبه پرتگاه و حشتناک ویرانی و نابودی رسیده است.

بطور کلی و مختصر پس از ده سال حکومت مطلقه انحصار، اختناق و انحراف امروزه در شرایطی زندگی می‌کنیم که:

۱- از نظر اقتصادی و اجتماعی بر شما و احدی پوشیده نیست که کشور ایران در اثر سالها جنگ خارجی، خروج از آرمانها و اهداف انقلاب و سوء مدیریت مسئولین و متصدیان دست به گریبان بی سابقه‌ترین بحران اقتصادی شده است که تاوان ما در تورم، بیکاری، کاهش تولید و تاراج سرمایه‌های خدادادی می‌باشد. درآمد سرانه کشور به نرخ ثابت به کمتر از نصف سال ۵۶ تنزل یافته است. گرانی تصاعدی معیشت و فارت سرسام‌آور یک اقلیت وابسته به حاکمیت از یک طرف و محرومیت‌ها و تنگناهای کمر شکن اکثریت از طرف دیگر، اختلاف طبقاتی و جدائی و کینه‌ورزی را به حد اعلای رسانده است. همگی نگران از سرنوشت خویش و مملکت‌اند و جوانان و کارکنان به دامن اعتیاد، ارتشاه و فساد و فحشا افتاده‌اند!

مردم ایران می‌خواهند بدانند چه جریان‌ها و چه کسانی سرمایه‌های عظیم ملی را که یک رقم آن ۱۷۰ میلیارد دلار درآمد نفت است به باد داده‌اند؟ تا آنجائیکه وزیر دارائی در مجلس می‌گوید کسری بودجه سال ۶۸ معادل کل درآمدهای ایران با اضافه ۷۶ میلیارد تومان بوده است!

مردم ایران می‌خواهند بدانند چه اشتباهات و سوسایستما باعث شده است که حاکمیت جمهوری اسلامی ایران پس از آنهمه طعنه و تندبها به ابر قدرتهای غرب و تبری جستن از سازمانهای سیاسی و اقتصادی جهان سرمایه‌داری، هم دست

- آیت الله سید ابوالفضل موسوی زنجانی / ۲- دکتر مصطفی اخلاقی / ۳- علی اردلان / ۴- امیر توکل ابراهیمی / ۵- حاج محمد تقی الهی / ۶- دکتر غلامعلی اخروی / ۷- مهندس مهدی بازرگان / ۸- مهندس مرتض بدیمی / ۹- عبدالله برهان مین / ۱۰- محمد بست نگار / ۱۱- مهندس عبدالعلی بازرگان / ۱۲- مهندس سید صالح بناقتی / ۱۳- دکتر محمد حسین بنی اسدی / ۱۴- محمد بهتیا / ۱۵- دکتر فرهاد بهبائی / ۱۶- دکتر منوچهر بیات / ۱۷- مهندس رضا نویان / ۱۸- دکتر نورعلی تابنده / ۱۹- مهندس عباس تاج / ۲۰- مهندس محمد توسلی حجتی / ۲۱- دکتر غلامعباس توسلی / ۲۲- محمد توسلی / ۲۳- مهدی چهل تنی / ۲۴- مهندس حسین حریری / ۲۵- ابوالفضل حکیمی / ۲۶- عزت الله خلیلی / ۲۷- حاج محمد خلیلی نیا / ۲۸- دکتر علی خواجوی / ۲۹- مهندس هوشنگ خیر اندیش / ۳۰- دکتر حبیب داوران / ۳۱- جمال درودی / ۳۲- عبدالله رادیا / ۳۳- مهندس محمد رسولیان / ۳۴- بهمن رضا خوانی / ۳۵- دکتر شهباز روحانی / ۳۶- یدالله روشن اردلان / ۳۷- زین العابدین ذافری / ۳۸- اکبر زرینه بان / ۳۹- مهندس فروش زعیم / ۴۰- دکتر یدالله سبحانی / ۴۱- صادق سرفراز / ۴۲- عباس سمیعی / ۴۳- مهندس عزت الله سبحانی / ۴۴- حسین شاه حسینی / ۴۵- ابوالفضل میر شمس شهبائی / ۴۶- مهندس هاشم صباغیان / ۴۷- احمد صدر حاج سید جوادی / ۴۸- دکتر رضا صدر / ۴۹- حسن طالبی / ۵۰- مهندس اکبر طاهری / ۵۱- دکتر رحیم عابدی / ۵۲- محمود عمرانی / ۵۳- ابراهیم عینکی / ۵۴- دکتر اصغر غروی / ۵۵- حاج سید سعید غفار زاده / ۵۶- جلال غنی زاده / ۵۷- مهندس مرتضی فاضلی / ۵۸- سرلشکر ناصر فرید / ۵۹- دکتر غفار فرزندی / ۶۰- دکتر حسن فرید اعلم / ۶۱- سرلشکر مرتضی فکور / ۶۲- مهندس عباس قائم الصباغی / ۶۳- مهندس مصطفی کتیرائی / ۶۴- محمد علی کرجستانی / ۶۵- حاج محمود مانیان / ۶۶- دکتر اسدالله میثری / ۶۷- سید جواد مادر شاهی / ۶۸- علی مومنی / ۶۹- سرتیپ ناصر مجالی / ۷۰- دکتر علیقلی محدودی بختیار / ۷۱- حاج محمد مهدی اردهالی / ۷۲- دکتر سید رحمت الله لیر حقانی / ۷۳- سید مصطفی مصطفوی / ۷۴- مهندس علی اکبر معین فر / ۷۵- مهندس تقی مکی نژاد / ۷۶- هرمز میزوی / ۷۷- خسرو منصوریان / ۷۸- مهندس نظام الدین موجد / ۷۹- مهندس رضا مسموعی / ۸۰- سید نورالله میر احمدی / ۸۱- مصطفی مسکین / ۸۲- حسن نامی / ۸۳- سرهنگ غلامرضا نجانی / ۸۴- صادق نوربوی / ۸۵- حسین نایب حسینی / ۸۶- علی وکیل / ۸۷- دکتر محمد هادی هادی زاده / ۸۸- مهندس علیرضا هندی / ۸۹- دکتر ابراهیم یزدی / ۹۰- مهندس حبیب یکتا.

رئیس قوه قضائیه:

متهمین به "بدحجابی" خارج از نوبت محاکمه خواهند شد

* درگیری مجددی بین مردم و پاسداران روز جمعه ۴ خرداد در میدان فردوسی تهران

به وقوع پیوست .

بقيه از صفحه اول

حداقل ۷۰ مورد بوده است، می توان دریافت که ماموران رژیم در تهران و سایر شهرها صدها نفر را دستگیر کرده اند.

عبدالله نوری وزیر کشور که دور جدید مبارزه با "بدحجابی" را باخشانماه او شروع شده، در مشهد تاکید کرد: "دولت مصمم است مساله بدحجابی و مظالم فساد را ریشه کن کند و در این راستا اجرای طرح مبارزه با بدحجابی و فساد با قطعیت دنبال می شود و با هماهنگی قوه قضائیه با کلیه متخلفین و شاهه دهندگان فساد برخورد قانونی صورت می گیرد."

وی افزود مقررات جدید تنها شامل معابر عمومی نمی شود بلکه "بخشها و اماکن خصوصی" نیز تحت کنترل شدیدی قرار خواهند گرفت. نوری اظهار داشت آن واحدها از بخش خصوصی که مقررات جدید را رعایت نکنند، "پلمپ خواهد شد و صاحبان آنها نیز مورد پیگرد قانونی قرار خواهند گرفت."

ادارات و سازمانهای دولتی نیز شاهد تشدید مقررات حجاب خواهد بود. وزیر کشور در این مورد گفته است: "کارکنان شافل ادارات و موسسات دولتی موظف به حفظ حجاب و رعایت شئون اسلامی هستند... همچنین در صورت مشاهده زنان بدحجاب در خودروهای دولتی این خودروها ضبط خواهند شد."

نوری، هر صده دیگر قدرت نمایی جدید را اتوبوسها ذکر کرد. وی اتوبوسهای مختلط را "مهمترین مراکز گسترش فساد" نامید و اعلام نمود: "مساله جداسازی اتوبوسهای مختلط در تهران در حال انجام است و در آینده تهران اتوبوسهای مختلط نخواهد داشت."

همزمان با بگیر و ببندی که در ارتباط با حجاب در شهرها و به ویژه تهران در جریان است، نیروهای انتظامی و مراجع قضایی رژیم مرتب اعلامیه می دهند و جزئیات مقررات جدید را اعلام می کنند. به گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی در روز ۲۴ اردیبهشت کمیته طی اطلاعیه ای "چگونگی نظارت بر اماکن عمومی و برخورد با متخلفین صنفی" را اعلام کرد. جزئیات موارد ذکر شده در این اطلاعیه چنین است:

- ۱- مجموعه صنوفی که به نحوی در رابطه با فروش البسه زیر زاننه فعال هستند مجاز به عرضه آن در پشت ویترین و در معرض دید عموم نمی باشند.
- ۲- تولید و عرضه گویلن های مبتذل، هینگ های گریه ای و آئینه ای، جوراب های نازک گیپور، کفش های چراغ دار، عکس هنرپیشگان و خوانندگان داخلی و خارجی، هلائم و نشانه های مبتذل ممنوع است.
- ۳- صاحبان واحدهای صنفی و کارکنان آنها مجاز به استفاده از کراوات و پاپیون به ویژه در اماکن اقامتی نمی باشند.

روزنامه کیهان گزارش داد از روز شنبه ۲۲ اردیبهشت مقررات جدید در مورد مجازها و واحدهای صنفی به اجرا گذاشته شد. در خبری که در شماره ۲۴ اردیبهشت این روزنامه چاپ

شده آمده است: "طی دو روز گذشته تعدادی از اماکن و واحدهای صنفی به دلیل عدم رعایت ضوابط اخلاقی توسط پاسداران کمیته انقلاب اسلامی تعطیل شد."

به گفته اکبرزاده مقام مسئول کمیته در مورد حجاب، دستورالعمل های جدید برخلاف گذشته موارد تخلف از "شئون اسلامی" را مشخص می کند تا "ماموران انتظامی به خوبی بدانند با چه کسانی برخورد کنند".

لازم به تذکر است که برخلاف گفته این مقام کمیته، در بخشنامه های جدید علاوه بر ذکر جزئیاتی که این بخشنامه ها را شبیه به کاتالوگ یک بوتیک می کند، دست نیروهای سرکوبگر در تعرض به مردم بازگذاشته شده است؛ یکی از موارد ممنوعیت، این است: "پوشیدن لباسهای شهره و لباسهایی که باعث جلب توجه عمومی شود یعنی باعث انگشت نما شدن فرد گردد." هر پاسداری می تواند هر کس را که بخواند به بهانه تخلف از این دستور، مورد حمله قرار دهد.

به گفته اکبرزاده، هنگامی که در مقررات جدید از "مظاهر فساد" ذکر می رود، "هلائم و نشانه های خاصی که در فرهنگ مبتذل قرب رواج دارد مثل کله خرگوش، عقاب، یا هلائم راک، ریمبو، صلیب شکسته و سایر هلائم در نظر است". وی در رابطه با لباس زنان، از جمله "تخلقات" این موارد را بر شمرد: "استفاده از انواع و سایل آرایشی مثل ریمپل، سایه روشن، هینگهای نمایشی، پولک، لاک ناخن، آرایشهای زننده و نمایشی، استفاده از روسری های نازک که باعث پیدا شدن موها و گردن بشود." و در مورد مردان افزود: "اگر مردی بخواند خلاف شئون فرهنگ ملی و اسلامی عمل کند با او برخورد خواهد شد. مردان باید از پوشیدن لباس های مبتذل، جلف و خلاف هفت عمومی که دارای هلائم و نشانه های خاصی است خودداری کنند."

مسئول "امر به معروف و نهی از منکر" گفت در جریان تعرض اخیر کمیته به مردم تهران، نیروهای کمیته در ۱۵۴ نقطه ثابت و ۱۹۵ گروه سیار شرکت داشته اند. وی در مورد شرکت اظهار داشت: "شرکتها باید در واحد خود را برای رفت و آمد باز بگذارند تا کسی مجبور نباشد با آیفون تماس بگیرد. همچنین ساعت کار خود را باید در معرض دید ارباب رجوع نصب کنند." اکبرزاده، بطور ضمنی از رادیو تلویزیون جمهوری اسلامی گله کرد که چرا بقدر کافی با یورش اخیر همراهی نکرده است. وی گفت باید در مبارزه با "بدحجابی" از "موقفیت" های مبارزه با مواد مخدر درسی گرفت.

در روز جمعه ۲۸ اردیبهشت، نیروهای بسیج کوههای شمال تهران را به ترق خود در آوردند. اعلام شده بود که بیش از پنج هزار بسیجی از دربند به شیرپلا کوهپیمایی خواهند کرد و در آبشار دولو، محسن رضایی فرمانده سپاه و فیروزآبادی رئیس ستاد فرماندهی کل نیروهای

مسلح به سخنرانی خواهند پرداخت. روابط عمومی بسیج اعلام کرده است از این پس این برنامه هر هفته توسط یکی از واحدهای سپاه و بسیج اجرا خواهد شد. هدف این برنامه، "پاکسازی و سالم سازی محیط کوهها از عناصر فاسد و شاهه دهندگان فرهنگ ابتذال و منکرات" اعلام شده است.

مقامات رژیم تاکید می کنند که "مبارزه با بدحجابی" دیگر قطع نخواهد شد و به نعل و یژه های محدود نمی ماند.

همه گزارشها حاکی است رژیم فقها این بار مساله حجاب را جدی تر از سالهای اخیر پیگیری می کند. گزارشهای مستقل از ضرب و جرح مردم توسط پاسداران و حتی کشته شدن تعدادی از آنها بدست ماموران رژیم، و نیز مقاومت گروههایی از مردم در برابر یورش اخیر رسیده است. ابعاد بسیج نیروهای رژیم نیز که در رسانه های رسمی بازتاب یافته، حاکی از این است که مسئولان عملیات اخیر با پیش بینی مقاومتی گسترده، به تدارک نیرو پرداخته اند. همانگونه که از اخبار مندرج در

مطلبوعات برمی آید، اگر چه تعرض به زنان وجه این اقدامات است، اما بسیج جدید با هدف گسترده تری صورت می گیرد که عبارت است از زدودن همه ظواهر فرهنگی که از نظر رژیم غیراسلامی است. ابعاد این بسیج در سال های اخیر بی سابقه است. همچنین دادن شکل قانونی به حملات، عنصر جدیدی در سیاست حکومت در مورد حجاب محسوب می شود.

پیش از آنکه بدنبال انگیزه های مشخص سیاسی برای اقدام به تعرض جدید از سوی رژیم در این موقعیت مشخص بگردیم، باید این نکته را در نظر بگیریم که جمود فکری، تنگ نظری و همه اختلافات تشریحی از ورای همه اختلافات سیاسی، جناح ها و گروه بندی های مختلف درون حکومت را به هم پیوند می دهد. لاقول اگر جریانی ابتکار اجرای سیاستی در جهت تحمیل معیارهای تنگ و محدود کننده اسلام ستیزه جو به همه جامعه را در دست بگیرد، رقبا و مخالفان درون حکومتی آن نه تنها مقاومتی نمی کنند، بلکه همراه هم می شوند. بنابراین، جستجو برای یافتن پاسخ به این پرسش که کدام انگیزه های مربوط به رقابت های داخلی

درون رژیم، محرک دور جدید مبارزه با "بدحجابی" شده است، توضیح دهنده زمینه عمده این تعرض نخواهد بود.

واقعیت این است که در سالهای اخیر، و به ویژه پس از قطع جنگ، تضعیف موقعیت حکومت در کل جامعه، باعث افزایش نسبی آزادی عمل مردم در عرصه های معینی شد. نوع لباس پوشیدن و بی توجهی به آنچه مورد نظر و مطلوب رژیم در رفتار مردم است، یکی از این عرصه ها است. برخی از مردم، و به ویژه جوانان، با به نمایش گذاشتن هدم پیروی خود از چارچوبهای تنگ تعیین شده، بطور غیرمستقیم مخالفت خود را با حکومت نشان می دهند. بدیهی است رژیم، در همه جا و همه وقت امکان و نیروی کافی برای کنترل همه مردم را ندارد. علاوه بر این، اگر در سالهای نخست، سیاست تحمیل حجاب می توانست با تکیه بر احساسات مذهبی بخشی از مردم پیش زود، امروز دیگر کسی که وابسته به حکومت نباشد، بیهوده خود را درگیر مسائل این چنین نمی کند. در چنین شرایطی، ناراضیاتی روزافزون مردم از اوضاع سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، در کنار تضعیف روحیه حزب اللهی ها پس از شکست در جنگ و مرگ خمینی به کاهش چشمگیر حضور نیروهای رژیم در عرصه هایی مانند حجاب، کنترل هدم روزه خواری در ماه رمضان و منع مراسم سنتی غیراسلامی مانند چهارشنبه سوری، نوروز و سیزده بدر شده بود. علاوه بر این، دولت رفسنجانی در آغاز روی کار آمدنش

تلاش می کرد این توهم را ایجاد کند که ریاست جمهوری رفسنجانی به معنای گشایش اقتصادی و اجتماعی است. از آخرین ماههای حیات خمینی، زمینه های مساعدی مانند مجاز کردن موسیقی و شطرنج به جا مانده بود. رادیو تلویزیون برنامه های متنوع تری در فعالیت خود گنجانده و...

اینک، حداقل در رابطه با مسئله حجاب و طرز لباس پوشیدن زنان و مردان، چرخشی در سیاست رژیم پیش آمده است. به نظر می رسد نیروهای حکومتی به فکر تجدید اقتدار سالهای پیشین افتاده اند. با آنکه مطبوعات وابسته به جناح محتشمی مانند کیهان بیشترین جنجال را در این مورد به راه انداخته اند، بخشنامه جدید مصوب هیات دولت است، وزیر کشور منصوب رفسنجانی، فعال ترین برخورد را با این مقررات دارد، و قوه قضائیه محمد یزدی نیز قول همکاری داده است.

بعید به نظر می رسد بعد از این یورش گسترده، حنای هوامفریبی رفسنجانی که می کوشید نوهی انعطاف پذیری به نمایش بگذارد، برای کسی رنگی داشته باشد و باز بعید است که سران حکومت بدون در نظر گرفتن عواقب این تعرض، آن را سازمان داده باشند. گویی انتخابی صورت گرفته است، و رژیم تصمیم گرفته لاقول در مورد "شئون اسلامی"، هرگونه نرمش را کنار بگذارد، به ویژه وقتی قدرت نهایی، بتواند بطور موقت هم که شده، روحیه "برادران حزب الله" را تقویت کند.



تیتربزرگ صفحه اول روزنامه های رژیم به مدت یک هفته اختصاص به مانور دریائی و هوائی ارتش و سپاه به نام سمند داشت. این مانور که در روز ۲۷ اردیبهشت با حضور رفسنجانی و سخنرانی پاسدار دریادار شده، شمخانی، فرمانده نیروی دریائی ارتش پایان گرفت.

در برنامه و عمل خود آزادی، دمکراسی، پلورالیسم سیاسی، حقوق بشر و مرجعیت مردم را می پذیرند، دراز می کنند. ما از همه نیروهای دمکرات ایران دعوت می کنیم که از طریق آدرس زیر با "کمیته همبستگی برای دمکراسی در ایران" تماس گرفته تا خواست دیرینه مردم زجر کشیده ایران، یعنی اتحاد و سجع همه نیروهای ملی و آزادیخواه به جامه عمل درآید. کمیته همبستگی برای دمکراسی در ایران - فروردین ۱۳۶۹ حزب دمکرات کردستان ایران - سوئد حزب دمکراتیک مردم ایران - سوئد سازمان فدائی - سوئد سازمان فدائیان خلق ایران - سوئد (اکثریت) - سوئد کانون فرهنگی - سیاسی خلق ترکمن ایران - سوئد

تشکیل "کمیته همبستگی برای دمکراسی در ایران" میهن، نیاز واقعی و مبرم شرایط کنونی و مردم میهن ماست. ما امضاکنندگان زیر پس از چندین ماه همکاری مشترک و سودمند و بدنبال تبادل نظرهای ضرور در پاسخ به ضرورت های جدی شرایط کنونی بر آن شده ایم که تا سطح همکاری ها، حرکات سیاسی و اتحاد عمل های خود را بیش از پیش تحکیم و گسترش داده و بر دامنه هماهنگی های مبارزاتی خود بیافزاییم. بر این مبنا تشکیل "کمیته همبستگی برای دمکراسی در ایران" متشکل از امضاکنندگان زیر گام دیگری است که تجمع سابق ما برای منسجم تر و موثرتر کردن حرکات و مبارزات خود برمی دارد. کمیته فوق بهره گیری از تجارب مبارزاتی دهه های اخیر مردم ایران و نیز توجه همه سویه به شرایط جدید جهانی و مسائل نوینی که در برابر مبارزان راه

ماه گذشته نمایندگان واحدهای سوئد چند سازمان سیاسی در جهت ارتقاء همکاری های خود تشکیل "کمیته همبستگی برای دمکراسی در ایران" را اعلام کردند. در زیر متن فراخوان این کمیته درج می گردد: هموطنان! رژیم استبدادی و مرتجع جمهوری اسلامی سدره هرگونه تحول دمکراتیک تجدد و ترقی ایران است. مبارزه برای سرتوونی این رژیم مبرم ترین و عمده ترین خواست و وظیفه مشترک همه نیروهای آزادیخواه، ملی و چپ کشور است. در شرایطی که خلا یک آلترناتیو دمکراتیک در کل اپوزیسیون رژیم جمهوری اسلامی بشدت محسوس است، اتحاد برادرانه، وسیع همه نیروهای ترقیخواه برای آزادی، استقلال و آبادی

اندیشه‌ها و برداشتها

نکاتی پیشنهادی در مورد مسأله ملی کرد در ایران

برای ارائه به کنگره بهمن خاکباز

طرح مسأله کرد در سطح بین‌المللی و جلب افکار عمومی و ... آن اهداف دست‌یافتنی است که جنبش‌های پاره‌های کردستان باید برای تنظیم سیاست منطقه‌ای خود و تنظیم سیاست در قبال پاره‌های مختلف جنبش در برابر خود بگذارند. هلیرقم مبارزه مستقل هر پاره جنبش تشکیل ارگانی (شورای کردستان) از دل جبهه‌های کردستانی و یا نیروهای جنبش ملی‌کرد برای دست‌یابی به اهداف فوق و آرمانهای جنبش کردستان ضروری است.

۱ - وجود مسأله ملی در ایران و اهمیت این مسأله
 ۲ - جایگاه و اهمیت مبارزه مردم کردستان در گسترش و تعمیق مبارزه دموکراتیک و همدالتخواهانه در ایران و در کل منطقه
 ۳ - عملکردهای نادرست و خطا کارانه سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در کردستان بویژه در سال ۱۳۵۹ به بعد ...

۴ - هدف جنبش مردم کردستان ایران در شرایط کنونی و با توجه به مجموعه مسائل و مشکلات و توان جنبش، ایجاد دولت خود مختار کردستان در ایرانی دموکراتیک و برخوردار از یک نظام کشوری فدراتیو است. در نظام دموکراتیک و فدراتیو ایران سازمان کشوری جدیدی بوجود می‌آید که در چهارچوب این سازمان کشوری باید بر روی تقسیمات کشوری فعلی تجدید نظر به عمل آید. در ایران فدراتیو هر ملتی دارای مجلس ملی خود خواهد بود. مجلس ملی برنامه‌ریز سیاست‌های اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و انتظامی هر ملت بوده و حکومت خود مختار خود را بر خواهد گزید. کشور در کنار پارلمان مرکزی دارای پارلمانی بوجود آمده از برگزیدگان پارلمانی مناطق خودمختار یعنی شورای نمایندگان ملت‌ها برای برابر و حقوق مساوی خواهد بود. امور مربوط به بودجه و توزیع آن و ... باید به تصویب این شورای نمایندگان ملیتها برسد. امور انتظامی بر عهده مجلس ملی (خودمختار) خواهد بود. استقرار ارتش مرکزی در کردستان باید با تصویب شورای نمایندگان ملیتها و مجلس ملی (خودمختار) باشد. در چارچوب چنین نظامی زبان کردی در کردستان زبان اصلی و رسمی خواهد بود.

سازمان فدراتیو کشوری علاوه بر تامین خواستهای ملیتهای ایران، هاملی است که با تکیه و بند زدن به پای دولت مرکزی، از گرایش آن به سوی دیکتاتوری جلوگیری خواهد کرد. استقرار حکومت خودمختار کردستان در ایران می‌تواند پایه و اساسی برای حل نهائی مسأله ملی ملت کرد باشد.

۴ - در ایران بدون برقراری یک نظام و اتقا دموکراتیک و فدراتیو که در آن ملیت‌های مختلف برخوردار از حق تعیین سرنوشت باشند، نمی‌تواند از برقراری دموکراسی سخنی در میان باشد از این رو قضاوت مردم کرد در مورد هر نظامی که در ایران برقرار گردد و هر سیاستی که جاری شود، این خواهد بود که موضع آن در قبال حق تعیین سرنوشت، چیست. ملت کرد باید آزاد باشد در ایرانی دموکراتیک و فدراتیو بماند و یا بصورت دولتی مستقل متشکل شود. این موضع یک سیاست و اتقا دموکراتیک در ایران است. میزان دموکراتیک بودن نظام از دیدگاه مردم کردستان بر این منبناست، بنابراین هلیرقم ارزیابی و نظام پیشنهادی ما، تصمیم نهائی در قبال ماندن یا جدا شدن از چنین نظامی بر عهده مردم کرد ایران است. هیچ قید و بندی نباید در میان باشد. مردم کرد ایران خواهان همبستگی همه ملیت‌های ساکن ایران برای مبارزه با رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی هستند و سرنوشتی این رژیم را شرط مقدم گام نهادن در مسیر رهائی خود می‌دانند.

موقعیت جنبش خلق کرد در ایران و بنیادهای یک سیاست مبارزاتی در کردستان

۱ - تاکنون مبارزه مسلحانه شکل اصلی مبارزه در کردستان بوده است. این شکل از مبارزه تاریخی و با توجه به مختصات کردستان اتخاذ شده و در مقاطع مختلف تاریخی توده‌های شدن آن نقطه قوت جنبش کردی بوده است. پیشمرگه رکن اصلی جنبش در کردستان است.

۲ - منطبق حکم می‌کند، وقتی که یک شکل و شیوه و تاکتیک از مبارزه هلیرقم بکارگیری آن در طول تاریخ جنبشی به دلائل مختلف به نتیجه و پیروزی نمی‌رسد باید در صحت کاربرد مجدد آن تجدیدنظر کرد.

ادامه دارد

محورهای که در زیر نظر آنان می‌گذرد، برای ارائه به کنگره سازمان تهیه شده است. بحث در مورد مسأله ملی بویژه مسأله ملی کردستان، به چند دلیل ساده زیر باید جای ویژه‌ای در کنگره سازمان داشته باشد:

۱ - وجود مسأله ملی در ایران و اهمیت این مسأله
 ۲ - جایگاه و اهمیت مبارزه مردم کردستان در گسترش و تعمیق مبارزه دموکراتیک و همدالتخواهانه در ایران و در کل منطقه
 ۳ - عملکردهای نادرست و خطا کارانه سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در کردستان بویژه در سال ۱۳۵۹ به بعد ...

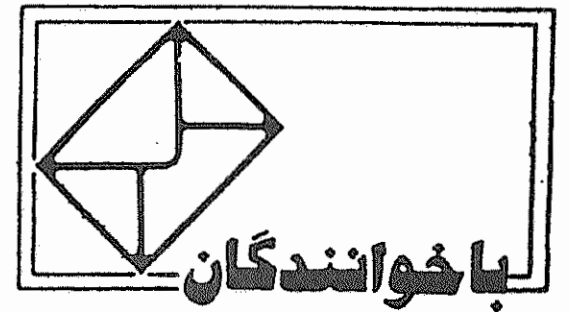
شرکت همه اعضای این سازمان بویژه اعضای کرد آن در این بحث (چه آن هائی که از سازمان جدا شده‌اند و چه آن هائی که هنوز در درون آن فعالیت می‌کنند) کمک بزرگی برای سازمان در دست‌یابی به خطمشی و سیاست صحیح در قبال مسأله کرد خواهد بود. بهتر از آن، این خواهد بود که دیگر سازمان‌ها، بویژه احزاب و سازمانهای کردی و شخصیت‌های مبارز و منفرد در نیز در برابر شدن و شمر بخش بودن بحث‌های کنگره در قبال مسأله کردستان با ارائه نظرات، پیشنهادها و انتقادهای خود یاری‌رسان این سازمان باشند.

نگارنده این سطور ادعای آشنائی عمیق و تسلط بر زیربوم‌های جنبش‌های ملت کرد و مسائل ریژ پیروان آن را ندارد. آنچه که نگارنده را بر نگارش این محورها واداشته است، اعتقاد به لزوم گسترش بحث در زمینه این مسأله مهم و ضرورت نقد سیاست گذشته بزرگترین سازمان چپ ایران یعنی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در قبال جنبش ملت کرد است. نکات مطرح شده نه تمام شده و نه کامل هستند. نظرها و انتقادهای مسلمان می‌توانند آنها را تکمیل و تصحیح نمایند.

یادآوری: آنچه که در این نوشته می‌آید تیتیر محورهای از مسأله ملی ملت کرد است، شرح مفصل هر بوطبه هر محور جا و نوشته ویژه خود را می‌طلبید.

در مورد جنبش ملت کرد:

- ۱ - جنبش ملت کرد، جنبش یکی از پر شمارترین ملت‌های تحت ستم در منطقه است.
- جنبشی است ملی، توده‌ای، اصیل، پیگیر.
- این جنبش یکی از نیروها و اهرم‌های اصلی دموکراسی در منطقه است.
- این جنبش تاکنون در کلیت خود جنبشی با گرایش چپ و همدالتخواهانه بوده است.
- این جنبش خصیصتی غیرسکتاریستی داشته و یاری‌رسان مبارزات دموکراتیک و همدالتخواهانه در کشورهای ایران، عراق، ترکیه و سوریه بوده است.
- ۲ - جنبش مردم کرد در هر پاره کردستان هلیرقم شعار مستقل ملی و درون مرزی خود خصلت برون مرزی دارد.
- جنبش کردستان، یک جنبش‌رهائی بخش ملی در منطقه است.
- جنبش کردستان یکی از عناصر معادلات سیاسی منطقه است.
- ستم و سوی گرایش تاریخی جنبش ملی ملت کرد، دستیابی به استقلال، وحدت پاره‌های کردستان و تشکیل کشور و دولت مستقل کردی است. تحقق هدف نهائی جنبش ملت کرد یعنی تشکیل کشور و دولت مستقل کردی و شکل متحقق شدن آن با توجه به مشکلات و موقعیت جنبش یعنی جدائی پاره‌های آن، وجود حکومتی فاشیستی و ارتجاعی حاکم بر هر پاره کردستان، موقعیت جغرافیائی، عدم تامین مداوم تدارکات، برخی الزامات ناشی از مبارزه مسلحانه، نبود پشتیبان واقعی جهانی (تا کنون جنبش این ملت بسته به اوضاع جهانی و رابطه حکومتی حاکم بر کردستان با دو اردوی سوسیالیسم و امپریالیسم مورد معامله و مقادله قرار گرفته است) و ... علاوه بر توان جنبش رابطه مستقیمی با استقرار در نظام‌های دموکراتیک در کل منطقه دارد. در شرایط کنونی با توجه با آنچه که گفته شد وحدت سیاسی پاره‌های کردستان یعنی تشکیل کشور و دولت واحد کردی (هدف نهائی جنبش) ممکن بنظر نمی‌رسد. بنابراین تبدیل شعار استراتژیک جنبش به شعار روز نادرست است. اما این مسأله بهیچوجه نباید هدف نهائی جنبش را در سایه قرار دهد. کمک و همبستگی متقابل، تبادل اطلاعات و اخبار، تبادل دستاوردهای فرهنگی و همدلی برای



خبر آن را به خاطر دل ما چاپ کنید

اهدام زندانیان سیاسی بیرحم بوده و به همین مناسبت او را "جلاد کرج" نام نهاده بودند همچنین گفته می‌شود که دخالت مستقیم سید رضا موسوی قریشی در اهدام‌های دسته‌جمعی زندانیان سیاسی در سال گذشته نفرت همیتی نسبت به وی در میان زندانیان و وابستگان اهدام‌شدگان ایجاد کرده بود.

اسلام به رفقای اکثریت:

دوستان عزیز در هفته گذشته خبری مربوط به ترور رئیس زندان گوهردشت کرج را در کیهان چاپ لندن مطالعه کردم. از آنجائی که من یکی از کسانی هستم که در زندان گوهردشت هزیری داشته‌ام و دژخیمان جمهوری اسلامی در موج اهدام‌ها او را پس از ۱۰ سال اهدام کردند، جای آن دیدم که خبر مربوطه را برای نشریه اکثریت که نشریه مورد علاقه من می‌باشد بفرستم هر چند فکر می‌کنم خبر مورد نظر من تاکنون به شما هزیران رسیده و چون روزنامه این هفته اکثریت را دریافت کردم و دیدم از این خبر هیچ در نشریه نیامده جایز دانستم که از شما دوستان بخواهم که در صورت صحت داشتن خبر آنرا به خاطر دل ما چاپ کنید شاید باز کسانی باشند که مثل من خوشحال شوند.

روزنامه ایندیپندنت لندن:

رئیس زندان گوهردشت کرج را چریک‌های مخالف رژیم کشتند. بنا بر گزارش‌های واصله از تهران سید رضا موسوی قریشی رئیس زندان گوهردشت کرج که به "جلاد کرج" شهرت داشت بوسیله گروهی ناشناس در جاده بین قزوین و کرج ترور شد. معاجمین که راه را بر اتوموبیل حامل رئیس زندان گوهردشت و محافظان او بسته بودند با شلیک اثری از خود بر جای نگذارند از محل حادثه گریختند. راننده و پاسداران محافظ سید رضا موسوی قریشی در این حادثه به شدت زخمی شدند. خبر واصله حاکی است که هنوز هیچکس به اتهام دست داشتن در قتل رئیس زندان گوهردشت از سوی رژیم دستگیر نشده است. گفته می‌شود سید رضا موسوی قریشی از عوامل سرکوبگر حزب الهی رژیم بوده و نسبت به زندانیان سیاسی رفتاری غیرانسانی و بسیار خشونت‌آمیز داشته است. وی در شکنجه و

خبرگزاری جمهوری اسلامی و رادیو تهران در گزارش‌های خود هیچ اشاره‌ای به ترور رئیس زندان گوهردشت کرج نکردند و هیچ یک از خبرگزاری‌هایی که در تهران نمایندگی دارند هنوز این خبر را مورد تأیید قرار نداده‌اند. روزنامه ایندیپندنت چاپ لندن نیز خبر ترور سید رضا قریشی را در روز شنبه این هفته چاپ رسانده و نوشته است رئیس زندان گوهردشت کرج در یک عملیات متعورانه چریکی در جاده کرج - قزوین به قتل رسید. ایندیپندنت از قول محافل مخالف رژیم تأکید کرده است که سید رضا موسوی قریشی شخصاً اهدام‌های دسته‌جمعی در زندان گوهردشت دخالت داشته است. مجدداً از شما می‌خواهم در صورت صحت خبر اگر هم مطلب فوق برای نشریه زیاد است اشاره‌ای بدان بکنید. باتشکر از شما خواهر یک زندانی سیاسی اهدام‌شده در گوهردشت

استخوان لای زخم نگذارید

هیئت محترم تحریریه روزنامه اکثریت در شماره ۱۳۰ آن روزنامه بتاريخ دوشنبه ۱۳ اردیبهشت ماه ۱۳۶۹ در صفحه ۸ مطلبی تحت عنوان "قطع جریان نفت شوروی به لیتوانی" درج گردیده بود. خوشبختانه کوشندگان و نویسندگان اکثریت با توجه به دگرگونی‌های انقلابی و صلح‌آمیز در کشورهای بلوک شرق، در ماه‌های گذشته سعی بر این داشته‌اند که بدور از خودمحوری‌های ایدئولوژیک گذشته، راستی‌ها و کنش‌های سیاسی روز جهان را آنطور که هست و نه آنگونه که مورد نظر خاصان می‌باشد، بازگو کرده و تحلیل و بررسی نمایند. شکی نیست که ادامه این شیوه کار که بر اساس تجارب تلخ حاصل از گذشته و شناخت و تعیینانه تحولات حاکم زمان صورت گرفته، هنگامی می‌تواند اثرگذار بوده و اعتماد طرفداران و دیگر هم‌میهنانتان را بخود جلب کند که پیگیری و ناب دنبال گردد و یاب مغفومی دیگر در مواردی به گونه‌ای مصلحتی استخوان لای زخم گذاشته نشود. شما متأسفانه در نوشتاری که از آن نام بردیم، پس از اینکه به حوادث هفته‌های اخیر و اختلافات موجود میان شوروی و لیتوانی بدرستی اشاره کرده‌اید، در چند سطر پایان آن می‌نویسید: لیتوانی، لتونی و استونی که در ساحل دریای بالتیک در شمال قریبی شوروی قرار گرفته‌اند، تا سال ۱۹۴۰ کشورهای مستقل بودند و در این سال به اتحاد شوروی ملحق شدند. جمله آخر به گونه‌ایست که خواننده تصور می‌کند که این کشورهای مستقل خود از روی دلخواه به اتحاد شوروی ملحق شدند، در حالیکه حق سخن در این بود که آن واقعه تلخ تاریخی راکب بیان می‌کردید و آن باین گونه است که بر اساس زدوبندهای سیاسی هیتلر و استالین در تاریخ ۲۳ آگوست ۱۹۳۹ بر اساس قراردادی که از سوی مولوتف و ریبنتروپ، یعنی وزرای خارجه آلمان و شوروی امضا گردید، لهستان میان این دو کشور تقسیم گردید و در عوض آلمان هیتلری موافقت کرد که شوروی کشورهای ساحل دریای بالتیک را تصاحب کند. ناگفته نماند که این قرارداد به نام قرارداد شیطان در تاریخ ثبت گردید و همچنین فراموش نکنیم که ارتش سرخ بهنگام تجاوز به خاک لهستان در جنگل کاتون، ۶۰۰۰ هزار تن از درجه‌داران نظامی لهستان را که به مقاومت پرداخته بودند تیرباران کردند و دولت شوروی نخستین بار در هفته‌های گذشته اقرار کرد که این جنایت به دستور استالین انجام گرفته است. و اما بر اساس قراردادی که از آن نام بردیم ارتش سرخ در اواخر سال ۱۹۳۹ و اوایل ۱۹۴۰ مهاجمانه وارد خاک سه کشور لیتوانی، لتونی و استونی گشته و با اشغال نظامی و تجاوزگرانه خود استقلال آن سرزمین‌ها را از میان برد. امیدوارم این توضیح دوستانه و روشنگرانه مورد توجه نویسندگان و خوانندگان روزنامه اکثریت قرار بگیرد.

بادروهای گرم و دوستانه
 دکتر حسن کیانزاد
 سخنگو و عضو هیئت اجراییه جنبش همبستگی ایرانیان برای آزادی دموکراسی

شهادت رفیق علی اشرف مرادی

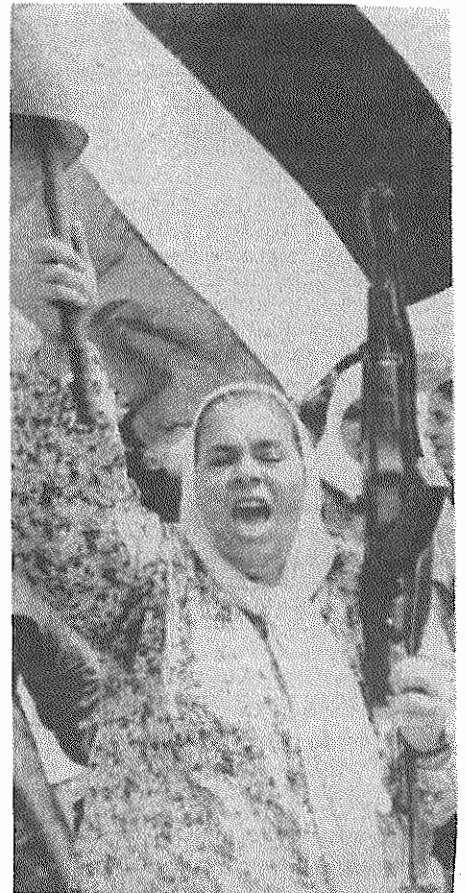
دستگیری و اهدام علی اشرف بار دیگر نشان می‌دهد که رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی هیچگونه اعتنائی به ابتدائی‌ترین حقوق و معیارهای انسانی و رعایت حقوق بشر ندارد و زندانیان سیاسی که پس از تحمل سالیان سخت زندان و اسارت آزاد شده و به آغوش خانواده‌شان باز میگردند از کوچکترین تضمین جانی برخوردار نیستند.

است رفیق علی اشرف در سال ۶۴ دستگیر شده و پس از سپری شدن دوره محکومیت آزاد گردیده بود. اما حدود ۴۰ روز قبل، از جانب مزدوران رژیم مجدداً دستگیر شده و در فاصله کمتر از یک ماه به جوخه اهدام سپرده شده است. برادر علی اشرف، رفیق شهید علی اکبر مرادی نیز چند سال پیش توسط رژیم اسلامی اهدام شده بود.

نشریه اتحاد کار، ارگان سازمان فدائی، خبر شهادت یکی از اعضای این سازمان، علی اشرف مرادی را اعلام کرد. در این خبر آمده است: "با کمال تأسف اطلاع یافتیم که یکی از رفقای ما علی اشرف مرادی حدود دو هفته پیش از سوی دژخیمان رژیم جمهوری اسلامی در سندانج اهدام شده

فلسطين اشغالی

یکپارچه در مبارزه



یکشنبه ۲۰ ماه مه، یک اسرائیلی ۲۱ ساله در نزدیکی تل آویو، هشت کارگر عرب را کشت و ده تن دیگر را مجروح کرد که تعدادی از آنها جراحات خطرناکی برداشتند. بدنبال این جنایت، موجی از اعتراض توده‌ای، مناطق عربی تحت اشغال اسرائیل را فراگرفت که طی آن، حداقل ۷ فلسطینی دیگر به ضرب گلوله سربازان اسرائیلی کشته شدند.

جنایتکار صهیونیست، در جنوب تل آویو گروهی از کارگران روزمزد فلسطینی را متوقف کرد، کارت‌های شناسایی آن‌ها را کنترل نمود و پس از اطمینان از فلسطینی بودن آن‌ها، بسویشان آتش گشود. پلیس اسرائیل می‌گوید قاتل مدعی است به دلیل ناراحتی‌های شخصی دست به این جنایت زده، و مسلسل و لباس نظامی آن که هنگام ارتکاب جنایت به تن داشت، از برادرش در گذشته است. به گفته مقامات اسرائیلی، قاتل مدت کوتاهی سرباز ارتش بود و پس از آن که با فرمانده واحدش اختلاف پیدا کرد، چند ماه رادر زندان گذراند و سپس از ارتش اخراج شد.

در همان روز یکشنبه، سربازان اسرائیلی طبق گزارشهایی که از بیمارستان‌ها رسید، در نوار اشغالی فزه پنج فلسطینی را در جریان سرکوب اعتراض مردم علیه قتل هشت کارگر عرب، کشتند همین گزارشها حاکی است سربازان، ۳۵۰ تن دیگر از مردم را مجروح کردند. در کرانه غربی رود اردن نیز دو فلسطینی کشته شدند.

در نوار فزه، پس از اعلام خبر جنایت تل آویو اوضاع حالت انجباری به خود گرفت. مردم، بدون توجه به مقررات منع عبور و مرور وضع شده از سوی ارتش، در خیابانها به تظاهرات پرداختند.

با کشتار ۲۰ ماه مه، شمار فلسطینی‌هایی که در طول ۲۹ ماه انتفاضة، قیام مردم فلسطین توسط اسرائیلی‌ها کشته شده‌اند، به ۶۵۵ نفر رسید.

در روز دوشنبه ۲۱ ماه مه، تظاهرات مردم خشمگین فلسطینی در مناطق اشغالی ادامه یافت. هم مقامات اسرائیلی و هم رهبران فلسطینی می‌گویند وقایع هفته گذشته احتمالا نقطه عطفی در قیام دو سال و نیمه در مناطق اشغالی است. اکثر مردمی که در تظاهرات هفته گذشته توسط سربازان اسرائیلی کشته شدند، ساکنان نوار فزه بودند. نوار فزه منطقه کوچکی از فلسطین است که بین اسرائیل، دریای مدیترانه و مصر قرار دارد.

جنایات صهیونیست‌ها در هفته گذشته ابعادی به خود گرفت که حتی سخنگوی وزارت خارجه آمریکا خواستار "خویشتن‌داری" دولت اسرائیل در برخورد به اعتراضات مردم فلسطین شد. گفته می‌شود وقایع اخیر ممکن است به اقدامات مسلمانانه گروه‌هایی از مردم مناطق اشغالی منجر شود.

هشت تن از شخصیت‌های فلسطینی مناطق اشغالی، پس از کشتار کارگران در نزدیکی تل آویو، در بیت المقدس دست به اعتصاب غذای زدند. یکی از آنها گفت: "ما در آستانه اوج گرفتن حدت اوضاع قرار داریم. به گمان من، صبر مردم لبریز شده، نه تنها به خاطر کشتار اخیر، بلکه همچنین از این رو که پس از ۳۰ ماه، مردم هیچگونه حرکتی در جهت یک روند صلح‌آمیز مشاهده نمی‌کنند."

شیوه‌های مقابله مردم فلسطینی با ارتش اشغالگر، کماکان آتش‌زدن لاستیک و پرتاب سنگ و کوکتل مولوتف است. تا روز سه شنبه ۲۲ ماه مه، شمار قربانیان سرکوب تظاهرات به ۱۰ نفر رسید که یکی از آنها یک زن ۵۶ ساله در نوار فزه بود.

موج اعتراض، مناطق عرب‌نشین داخل خاک اسرائیل را نیز در بر گرفت. شهرداران شهرها و روستاهای عربی اسرائیل در همبستگی با تظاهرات مناطق اشغالی از مردم دعوت کردند دست به اعتصاب بزنند. در شهر ناصریه، جوانان نقابدار در حالی که پرچم فلسطین را به اهتزاز در آورده بودند، به طرف ماموران پلیس بمب‌های آتش‌زا پرتاب کردند. منابع عربی اظهار داشتند در این شهر ده تن از مردم توسط پلیس مجروح و ۶ نفر دستگیر شده‌اند.

از هنگام آغاز دور جدید ناآرامی‌ها در نوار فزه و کرانه غربی رود اردن، ارتش اسرائیل واحدهای جدیدی به این مناطق گسیل داشته است. مقررات ۲۴ ساعته منع عبور و مرور، ۱/۱ میلیون نفر از ۱/۷ میلیون ساکنان مناطق اشغالی را شامل گردید. یک مقام نظامی اسرائیلی گفت ارتش می‌خواهد از این پس به محض درگرفتن ناآرامی، حکومت نظامی ۲۴ ساعته برقرار کند و نیروی کافی برای کنترل آن اعزام دارد. وی این تصمیم را "درس گرفتن از گذشته" نامید.

رهبری متحد قیام که در داخل مناطق اشغالی بطور پنهانی فعالیت می‌کند، با انتشار اعلامیه‌ای خواهان اعتصاب عمومی سه روزه در این مناطق از دوشنبه ۲۱ ماه مه شد. این فراخوان همچنین شامل دعوت به گارزار عدم اطاعت عمومی است. کارزار مزبور در برگیرنده تحریم یک هفته‌ای علیه مشاغل موقت در اسرائیل، مفازه‌ها و محصولات اسرائیلی، تماس با مقامات اسرائیلی در مناطق اشغالی و دادگاههای اسرائیلی است.

برخی از رهبران فلسطینی معتقدند شکست تلاشهای اخیر آمریکا برای ترتیب دادن مذاکرات اسرائیلی - فلسطینی، و نیز اقدامات اسحاق شامیر نخست وزیر اسرائیل برای نشان دادن کابینه دست راستی به جای ائتلاف سابق با حزب کارگر، زمینه را برای گسترش اعتراضات فراهم کرد.

این بار مبارزات مردم فلسطین در اردن نیز بازتاب یافت. نیروهای رژیم ملک حسین در سرکوب تظاهرات مردم در همبستگی با مبارزات مناطق اشغالی، دو نفر را به قتل رساندند. همچنین در یک واکنش افراطی نسبت به کشتار کارگران عرب در اسرائیل، یک فلسطینی ۲۸ ساله در همان پایتخت اردن به روی سرنشینان یک اتوبوس حامل جهانگردان فرانسوی آتش گشود و ۱۰ تن را مجروح کرد. شامگاه دوشنبه صدها تن از مردم خشمگین به یک هتل آمریکایی در پایتخت اردن حمله کردند. نمایندگان کشورهای عربی در سازمان ملل خواهان تشکیل فوری اجلاس شورای امنیت برای بررسی اوضاع در مناطق اشغالی شدند. یک سخنگوی سازمان آزادیبخش فلسطین گفت در سازمان ملل، امکان تشکیل جلسه شورای امنیت در ژنو تحت بررسی است تا با سرهرفات رهبر ساف بتواند در آن شرکت جوید. در سال ۱۹۸۸، دولت آمریکا از دادن ویزا به عرفات خودداری کرد و در نتیجه برای آنکه عرفات بتواند در نشست سازمان ملل شرکت کند، این نشست به ژنو منتقل شد.

رهبران جمهوری‌های ...

باقیه از صفحه آخر

بازگشت به موقعیت لیتوانی به عنوان یک جمهوری شوروی گردیده است.

لتونی و استونی، دو جمهوری دیگر بالتیک نیز بیانیه‌های استقلال مشابهی از تصویب پارلمان‌های خود گذرانده‌اند. میخائیل گورباچف یک قانون مصوب ۶۱ ماه مه در پارلمان استونی را که به کمک آن قرار است امر استقلال این جمهوری به پیش برده شود، بی‌اعتبار اعلام کرد و گفت هر اقدام مبتنی بر این قانون، مغایر با قوانین اتحاد شوروی است. رئیس جمهور شوروی همچنین بیانیه‌های استقلال استونی و لتونی جمهوری همسایه آن را با انتشار فرمانی ملتی اعلام کرده است.

در روز ۲۲ ماه مه، روسای جمهور لتونی و استونی با گورباچف دیدار کردند. این دیدار بسیار کوتاه بود و بدون هیچگونه توافق خاتمه یافت. نمایندگان جمهوری‌های بالتیک در این دیدار، پس از ملاقات مزبور اظهار داشتند فضای حاکم بر گفتگو، متشنج بوده است.

امروزه در میان اندیش‌مندان و فعالین جنبش چپ بطور جدی این سوال مطرح است که اروپای شرقی به کدام سو می‌رود، سرمایه‌داری یا بازسازی سوسیالیسم؟ پاسخ بدین پرسش کار آسانی نیست چرا که از یک سو حد و مرزهای بعضاً تصنعی دیروز بین سرمایه‌داری و سوسیالیسم خودریخته و از سوی دیگر، اساساً پیش‌گویی روندهای آتی در این کشورها که از نبود سنتهای دموکراتیک رنج می‌برند کاری بس دشوار است.

آنچه در زیر می‌خوانید مصاحبه‌ای است با لیلیا سوتسوا (Lilia Sievtsova) استیوتی سیستم جهانی اقتصاد سوسیالیستی.

* آیا سوسیالیسم واقعا به ورشکستگی رسیده است؟

- در برخورد با سوسیالیسم اغلب نگرشی مجرد غالب است و آن کوششی است برای تصویر یک سیمای جدید که باید مورد پذیرش همه واقع شود و این خود راهی است نگویند که پیش از این نیز هم ما و هم محققین غربی را به تقابل با واقعیت کشانید. در عوض نگاهی به اروپای شرقی بیاندازید نیروهای سیاسی جدیدی پا به هرصه می‌گذارند. نقش احزاب کمونیست دستخوش تغییر می‌گردد و دیگر آنها به موجب قانون اساسی، رهبری دولت را در دست ندارند، حتی نام حکومت‌ها هم نیز تغییر می‌کند. در قانون اساسی مجارستان حتی بر ترکیب دموکراسی بورژوازی با برتری‌های سوسیالیسم دموکراتیک تاکید می‌شود.

امروزه دیگر به سختی بتوان نام سوسیالیستی بر کشورهای اروپای شرقی گذاشت بخصوص با توجه به تعریف‌های موجود در درسام‌ها که سوسیالیسم را با غالب بودن شکل مالکیت اجتماعی، نقش رهبری حزب

پیروزی چشمگیر جبهه نجات ملی در انتخابات رومانی

باقیه از صفحه آخر

اپوزیسیون رومانی در مورد انتخابات پیش از اعلام آزاد بودن رای‌گیری توسط دولت ایالات متحده شد. وی تاکید کرد: "از نظر ما این یک انتخابات سالم بود. ما نتوانستیم در جایی هنگام مشاهدات خود، تقلب آشکار و سازمان یافته در روند انتخابات کشف کنیم." رئیس هیات آمریکایی، از دولت رومانی خواست یک هیات مستقل را مامور رسیدگی به شکایات کند.

سایر اعضای هیات ۵۰۰ نفر ناظران خارجی نیز خاطر نشان کردند تخلفات موجود در حدی نبوده است که بتواند نتایج انتخابات را تغییر دهد.

ایلیسکو رئیس جمهور فعلی و آتی رومانی، میزان شرکت مردم در انتخابات را گواهی بر بلوغ سیاسی مردم رومانی دانست. بیش از ۹۰ درصد از ۱۶/۸ میلیون نفر واجدین شرایط، رای‌گیری شرکت کردند. با اینکه حوزه‌های رای‌گیری از صبح زود تا نیمه شب باز بود، در بسیاری از مناطق، صف‌های طولانی از مردم تشکیل شده بود که برای رای دادن منتظر بودند.

در بخارست ۳۹ تن از ۳۸۷ نفر نمایندگان مجلس و ۱۴ سناتور از ۱۱۹ عضو سنا انتخاب شدند. پایتخت رومانی شاهد برگزاری آرام رای‌گیری بود. این امر به

کمونیست، هژمونی مارکسیسم - لنینیسم و تقدم تامین اجتماعی تصویر می‌کند.

شرایط نوین و پدیده‌های تازه وارد شد. یعنی نیروهای بازار، آزادی شرکت‌ها، پولورالیسم سیاسی - چند حزبی بودن و تضمین‌های حقوقی دولت در این زمینه‌ها سوال جدیدی را پیش روی انسان قرار می‌دهد: فرق بین این جوامع و سوئد سوسیال دموکرات چیست؟ در مورد امکانات بازار و حتی جلوه‌های گوناگون از تامین اجتماعی، سوئد بسیاری از دیگر کشورهای سرمایه‌داری خیلی بیشتر از شوروی "سوسیالیستی" هستند.

به اعتقاد من آنچه که در اروپای شرقی میگذرد، شکست سوسیالیسم نیست. این کشورها

آن پوسته‌ی قدیمی "سوسیالیستی" که چندین دهه غالب بود را به همراه مدل جامعه‌ی توتالیتر استالینی در هم شکستند. این به هیچ وجه به معنی فروپاشی سوسیالیسم به مثابه یک سیستم ارزش‌ها نیست.

* آیا کشورهای اروپای شرقی در راه بازگشت به سرمایه‌داری هستند یا اینکه تکامل و تحول سوسیالیسم را طی می‌کنند؟

- با سیاه و سفید کردن تضای نمی‌توان این تحولات را توضیح داد. علی‌رغم همه پیچیده‌گی‌ها و تضادهای درونی موجود در روند تحولات اروپای شرقی، به اعتقاد من همه این تحولات مویذ تغییر شکل یافتن حد و مرزهای دیروزین بین سوسیالیسم و سرمایه‌داری و کوششی است برای ایجاد جامعه‌ای ملهم از هر دو سیستم - و مقدم بر همه تلفیق اقتصاد بازار و تامین اجتماعی.

بسیاری از متفکرین و محققین اروپای شرقی نمایندگان چنین دیدگاهی هستند. پرونسور لهستانی ویتولد لچوفسکی معتقد به ایجاد یک سیستم اجتماعی جدید در لهستان است،

سوسیالیسم یا سرمایه‌داری

دولتی مردمی که از یک سواجازه رشد سرمایه‌داری می‌دهد و از سوی دیگر نگاهبان منافع مردم باشد.

در آلمان شرقی ۲۰ درصد مردم موافق بازگشت به سرمایه‌داری، ۴۰ درصد موافق یک جامعه‌ی سوسیالیستی بازسازی شده و بهتر و ۳۰ درصد خواهان تلفیق اجزایی از هر دو سیستم بودند. در چکسلواکی ۵۲ درصد از افراد مورد سوال واقع شده، خواهان گذر از راهی میانی بین سوسیالیسم و سرمایه‌داری بودند.

توفیق یا عدم توفیق در ساختمان چنین جامعه‌ای را آینده نشان خواهد داد هر چند که هم امروز نیز توفیق در برپایی یک جامعه‌ی واقعا دموکراتیک دست آورد بزرگی است.

* مطبوعات شوروی مدعی‌اند که روند حرکت در جوامع سوسیالیستی متمایز از روند حرکت در جوامع سرمایه‌داری است.

- چنین حد و مرز کشیدن‌هایی به اعتقاد من برخلاف گرایش‌های عینی موجود است. مقداری پولورالیسم سوسیالیستی همان قدر من درآوردی است که تکنولوژی کامپیوتر سوسیالیستی یا جبر

سوسیالیستی، درست است که پولورالیسم در شوروی مختصات خود را دارد اما این نتیجه‌ی فقر فرهنگ سیاسی است و نبود سنت‌های رسیدن به توافق مشترک. همان طور که گفته شد پولورالیسم سوسیالیستی ویژه‌گی‌های خاص خود را درآورد اما این به معنای بهترین بودن آن نیست. وانگهی چرا باید ماهیت آنرا سوسیالیستی نامید؟ باید به جای تاکید بر سوسیالیستی بودن و مزیت قابل شدن برای ویژه‌گی‌های آن، خود مفهوم پولورالیسم را همده کرد و در جهت بسط و گسترش آن کوشش نمود.

برگردان:

سازمان ایران نژاد

پیروزی چشمگیر جبهه نجات ملی در انتخابات رومانی

محسوب می‌شود. مردم در این میتینگ فریاد می‌زدند: "ما متحدیم و مزدور هم نیستیم." اشاره آنها، به حزب ملی دهقانان بود که به شرکت کنندگان در گردهمایی‌های خود پادشاهیایی می‌داد. رهبر این حزب اپوزیسیون، در مناظره تلویزیونی به این افتخار می‌کرد که مارکارت تاجر از دوستان نزدیک او است.

مفسران درباره نتایج انتخابات رومانی نوشتند رای مردم به ادامه حکومت جبهه نجات ملی که با سرنگونی چائوشسکو در پنج ماه پیش قدرت را به دست گرفت، قبل از هر چیز نشانه جانبداری اکثریت مردم از برقراری آرامش و اجرای یک سیاست روشن و حساب شده است.

روزنامه "حقیقت" که پیش از انقلاب دسامبر ۸۹ ارگان حزب کمونیست رومانی بود و اینک مستقل است، در روز انتخابات صفحه اول خود را به نشانه دعوت از مردم به آرامش، سفید گذاشت. در مقابل، مطبوعات مخالف آزادانه به تبلیغات خود ادامه دادند. روزنامه "رومانی آزاد" کاریکاتوری چاپ کرد که یک کنسرو رو نشان می‌داد. روی این کنسرو حروف اول نام جبهه نجات ملی به چشم می‌خورد، اما در ته آن علامت داس و چکش دیده می‌شد.

ویژه‌ای آن رو اهمیت داشت که در هفته‌های پیش از انتخابات، اپوزیسیون در بخارست تظاهرات و تحصن‌های گسترده‌ای علیه دولت موقت ایلیسکو و جبهه نجات ملی رومانی به راه انداخته بود. حتی پس از ممنوع شدن تظاهرات و گردهمایی‌ها در آستانه انتخابات، اعتراضات مخالفان در خیابانها و میدانی بخارست ادامه یافت. آنها فریاد می‌زدند "مرگ بر کمونیسم". اپوزیسیون رومانی می‌گوید جبهه نجات ملی ادامه دهنده راه حزب کمونیست رومانی است.

دو روز پیش از انتخابات، سه نامزد ریاست جمهوری در یک مناظره تلویزیونی شرکت کردند. دو کاندیدای اپوزیسیون در این بحث، جبهه نجات ملی را متهم به سازمان دادن حملات علیه میتینگ‌های انتخاباتی مخالفان کردند. ایلیسکو نیز به توبه خود احزاب مخالف را مسئول حمله به گردهمایی‌های جبهه نجات ملی در تمشوار واقع در غرب رومانی دانست.

شامگاه پنجشنبه ۱۷ ماه مه، بخارست شاهد آخرین گردهمایی طرنداران جبهه نجات ملی پیش از انتخابات بود که در آن ده‌ها هزار تن شرکت کردند. آنها گل‌های سرخ در دست داشتند که علامت جبهه نجات ملی رومانی

پیروزی چشمگیر جبهه نجات ملی در انتخابات رومانی

یون ایلیسکو، نامزد جبهه رهایی بخش ملی رومانی برای احراز مقام ریاست جمهوری این کشور، توانست در انتخابات ۲۰ ماهه بیش از ۸۰ درصد آرا به خود اختصاص دهد. همزمان با انتخابات ریاست جمهوری، انتخابات دو مجلس پارلمان رومانی نیز برگزار شد و در آن، جبهه رهایی بخش ملی بیش از ۶۰ درصد آرا به دست آورد. مدت اعتبار این دوره از مجلس نمایندگان و سنای رومانی حداکثر ۱۸ ماه خواهد بود و ظرف این مدت، پارلمان باید قانون اساسی جدید رومانی را تصویب کند. ناظران خارجی انتخابات رومانی، از جمله یک گروه از سیاستمداران آمریکایی، در روز دوشنبه پس از انتخابات اعلام کردند رای گیری بطور کلی در شرایط سالمی برگزار شد و تنها بطور پراکنده تخلفاتی مشاهده گردید. اظهار نظر هیات های خارجی به معنای رد ادعای اپوزیسیون رومانی مبنی بر تقلب

در انتخابات است. پس از شمارش ۲ میلیون برگ رای، ایلیسکو با کسب ۸۹ درصد آرا در صدر کاندیداها قرار داشت. رادوکامپیانو، نامزد حزب لیبرال ملی ۸ درصد و یون راتیو از حزب ملی دهقانان ۳ درصد آرا کسب کرده بود. یک موسسه نظرسنجی آلمانی پیش بینی کرد ایلیسکو ۸۳ درصد، کامپیانو ۱۱ درصد و راتیو ۶ درصد آرا را به خود اختصاص خواهند داد. دو نامزد بازنده در انتخابات، رای گیری را مخدوش خواندند. با این حال فرماندار ایالت نیومکزیکوی آمریکا در سمت خود بعنوان رئیس هیات ناظران آمریکایی طی یک کنفرانس مطبوعاتی در سفارت آمریکا در بخارست گفت انتخابات اخیر "کام بسیار بزرگی به سوی دموکراسی" بوده است. با این حال این سیاستمدار آمریکایی خواهان رسیدگی به شکایات

بقیه در صفحه ۷

ناآرامی های خونین در کشمیر

در هفته گذشته ناآرامی های ایالت کشمیر هند که از پنج ماه پیش آغاز شده است، به اوج خود رسید. محمد فاروق پرنفوذترین رهبر مذهبی مسلمانان کشمیر در روز دوشنبه ۲۱ ماه مه در شهر سری نگر کشمیر توسط سه مرد مسلح ناشناس کشته شد. بدنبال این قتل، تظاهرات گسترده ای از سوی مسلمانان برپا شد. پلیس هند به سوی شرکت کنندگان در این تظاهرات آتش گشود و حداقل ۴۰ نفر را به قتل رساند و در حدود ۳۰۰ نفر را مجروح کرد. ناآرامی در کشمیر به تیرگی روابط هند و پاکستان دامن زده است. پاکستان از جدایی طلبان مسلمان کشمیر پشتیبانی می کند. مولوی محمد فاروق که در هفته گذشته قربانی یک ترور شد، هلیر فم مخالفت با دولت مرکزی هند یکی از رهبران میانه روی مسلمانان کشمیر محسوب

می شد. وی هیچگاه خواستار الحاق کشمیر به پاکستان نشده بود و تنها از میان برداشتن "دیوار کشمیر" بین کشمیر هند و کشمیر پاکستان را طلب می کرد. از این رو، این رهبر مذهبی اخیرا از سوی افراطیون مسلمان تحریم شده بود. ناآرامی های کشمیر به قتل ۳۰۰ نفر در سال جاری میلادی انجامیده است. دولت هند بطور غیر مستقیم پاکستان را مسئول قتل مولوی محمد فاروق دانست. یک سخنگوی دولت مرکزی هند گفت وقتی با حمایت خارجی تروریسم کشمیر تقویت می شود، باید انتظار چنین حوادثی را نیز داشت. در همین حال برخی نزدیکان رهبر مقتول مذهبی می گویند افراطیون هندو فاروق را کشته اند.

یمن شمالی و جنوبی متحد شدند

سه شنبه هفته گذشته، یمن شمالی و جنوبی متحد شدند. پرچم یمن متحد، برای نخستین بار در عدن که تا کنون پایتخت یمن جنوبی بوده است، برافراشته شد. رئیس جمهور کشور جدید، هلی عبدالله صالح (رئیس جمهور یمن شمالی تا هنگام تشکیل دولت جدید) است. پایتخت یمن متحد، شهر صنعاست که تا پیش از اتحاد، پایتخت یمن شمالی بود. در روز دوشنبه، پارلمانهای دو یمن به وحدت دو کشور رای موافق دادند و مقرر داشتند ظهر روز سه شنبه، تشکیل دولت جدید رسماً اعلام شود. یمن متحد ۱۳ میلیون نفر جمعیت دارد و بدین ترتیب از نظر انسانی بزرگترین کشور شبه جزیره عرب است. یمن شمالی ۱۰ میلیون تن و یمن جنوبی ۳ میلیون نفر جمعیت

داشت. در شمال یمن، یک دولت متمایل به غرب با سمتگیری سرمایه داری حکومت می کرد و در جنوب قدرت در دست "حزب سوسیالیست" بود که خود را یک حزب مارکسیست - لنینیست می دانست. رهبر این حزب قرار است به معاونت رئیس جمهور یمن متحد برگزیده شود. حیدر ابوبکر عطاس رئیس جمهور یمن جنوبی کاندیدای پست نخست وزیری است. قانون اساسی یمن متحد، تشکیل یک شورای پنج نفره ریاست جمهوری را برای یک دوره ۳۰ ماهه گذار پیش بینی می کند. قرار است دو پارلمان یمن ادغام شوند و ۳۱ نماینده از احزاب اپوزیسیون به وکلای آنها افزوده گردد.

رهبران جمهوری های کرانه بالتیک با چف دیدار کردند

در روز ۱۶ ماه مه، پارلمان لیتوانی اعلام کرد در صورت موافقت مسکو با مذاکرات، حاضر است قوانین تصویب شده پس از اعلام استقلال را به حالت معوق درآورد. نخست وزیر لیتوانی مصوبه جدید پارلمان را به گارباچف تسلیم کرد. با این حال رئیس جمهور و نخست وزیر شوروی پس از ملاقات با خانم پرونسکین گفتند پیشنهاد جدید پارلمان لیتوانی پاسخگوی خواست دولت شوروی نیست یا حداقل به تعویق درآوردن بیانیه استقلال لیتوانی نیست. بدنبال دیدار مسکو، پارلمان لیتوانی تصمیم گرفت در مورد پیشنهاد جدیدی به دولت مرکزی شوروی به بحث بپردازد. در جلسه پارلمان، نخست وزیر لیتوانی که گزارش سفر خود به مسکو را ارائه کرد، خواهان انعطاف پذیری نمایندگان پارلمان لیتوانی شد. به عقیده ناظران، احتمال "منجمد کردن" بیانیه استقلال از سوی پارلمان لیتوانی وجود دارد. این اقدام به معنای تعویق اجرای این بیانیه است. در عین حال نخست وزیر لیتوانی خواهان دادن تضمین هایی از سوی مسکو و جامعه بین المللی برای چنین اقدامی شده و خواهان منتفی کردن احتمال

یک ماه پس از آغاز تحریم اقتصادی دولت مرکزی شوروی علیه جمهوری لیتوانی که استقلال خود را از دولت اتحاد شوروی اعلام کرده است، خانم کاریمیرا پرونسکین نخست وزیر این جمهوری در شامگاه ۱۷ ماه مه با میخائیل گارباچف در مسکو دیدار و گفتگو کرد. پس از این گفتگو اعلام شد از حدت اختلافات کاسته شده، اما بحران حل نشده است. گارباچف در روز ۱۸ ماه مه طی دیداری با جیمز بیکر وزیر خارجه آمریکا گفت لیتوانی با پس گرفتن بیانیه استقلال خود، به چارچوب قانون اساسی شوروی بازگردد، مسکو حاضر به مذاکره در مورد همه مسائل مورد اختلاف است. ملاقات نخست وزیر لیتوانی با رئیس جمهور شوروی نخستین دیدار گارباچف با یک مقام لیتوانی از ۱۱ مارس تا کنون بود. در آن تاریخ لیتوانی استقلال خود را اعلام کرد. نخست وزیر لیتوانی ملاقات ۱۷ ماه مه را که در آن ریشکوف نخست وزیر دولت مرکزی شوروی نیز شرکت داشت، موفقیت آمیز خواند. خانم پرونسکین پس از این دیدار یک ساعت و نیمه اظهار داشت در این ملاقات پیشرفت های بزرگی حاصل شده است. وی افزود گفتگو نخست آغاز دشواری داشت اما در ادامه آن، فضای بهتری ایجاد شد. البته توافق کامل حاصل نگردید.

خلع سلاح کنتر

دشواری دولت چامورو

مهر و برترین فرمانده نظامی نیروهای کنتر (ضد انقلاب) در نیکاراگوئه موسوم به "فرمانده فرانکلین" که نام واقعی او اسرائیل گالیانو است، اعلام کرد نیروهای تحت فرمانش تحویل سلاحهای خود را متوقف کرده و توافق حاصله با دولت چامورو در این زمینه را به حالت تعویق درآورده اند. در بیانیه گالیانو آمده است دولت خانم چامورو به وعده های خود عمل نکرده است.



صف تعدادی از شهروندان بوخارست برای شرکت در رای گیری ۲۰ ماه مه

آمریکا و شوروی در مورد سلاح های استراتژیک به توافق رسیدند

طی دیدار جیمز بیکر وزیر خارجه آمریکا از مسکو، دو کشور در مورد سلاحهای استراتژیک به توافق رسیدند. پس از مذاکرات چهار روزه بیکر با شواردناده مهمتای شوروی اش اعلام شد رؤس توافق درباره قرارداد کاهش شمار کلاهک های استراتژیک هسته ای موسوم به استارت، تعیین شده است. همچنین دو طرف در مورد قطع تولید سلاحهای شیمیایی و کاهش سریع ذخایر آن و نیز محدود کردن آزمایش های اتمی توافق کردند. پیرامون تسلیحات به گفته شواردناده وزیر خارجه شوروی، چرخ بوش و میخائیل گارباچف روسای جمهور دو کشور خواهند توانست در ملاقات آتی خود که از ۳۰ ماه مه تا سوم ژوئن در واشنگتن صورت می گیرد، توافق پیرامون سلاحهای دوربرد (استراتژیک) را رسماً اعلام کنند. شواردناده افزود قرار داد مربوط به این سلاحها می تواند تا پایان سال جاری میلادی به امضا برسد. سلاحهای استراتژیک به آندسته از تسلیحات اتمی اطلاق می شود که هر یک از دو قدرت جهانی می تواند با آنها قلمرو طرف مقابل را هدف قرار دهد. در آخرین دور مذاکرات پیرامون این سلاحها، موضوع موشک های بالذات (کروز) و سلاحهایی که قابل شلیک از جنگنده - بمب افکن هاست و بردی بیش از ۶۰۰ کیلومتر دارد، مورد بحث قرار گرفت و به گفته بیکر، فرمول پیچیده ای یافته شده که "نیازهای هر دو طرف را در نظر می گیرد". اختلافات طرفین

درباره موشکهای بالدار، یکی از موانع اصلی توافق در مورد سلاحهای استراتژیک بود. آمریکا و شوروی توافق کرده اند که تولید سلاحهای شیمیایی را فوراً متوقف و ۸۰ درصد زرادخانه شیمیایی خود را نابود کنند. این توافق پیش بینی می کند که مابقی سلاحهای شیمیایی در سالهای آینده نابود شود و موجودی این تسلیحات به دو درصد سطح موجود برسد. در صورت پیوستن همه کشورهای دیگر دارای سلاحهای شیمیایی به یک توافق جهانی، مسکو و واشنگتن توافق با نابودی همه این سلاحها هستند. قرارداد کاهش سلاحهای استراتژیک به کاستن ۳۰ الی ۳۵ درصد از زرادخانه این سلاحها خواهد انجامید. تلاش برای رسیدن به توافق پیرامون شمار نرات نظامی و تانک های مستقر در اروپا، بی نتیجه ماند. به گفته مقامات آمریکایی، اتحاد شوروی خواهان محدود شدن قدرت نظامی آلمان واحد و ثبت یک سقف حداکثر برای ارتش آلمان در قراردادی است که در مورد وحدت آلمان میان شرکت کنندگان در مذاکرات "دو بعلاوه چهار" (دو آلمان و چهار کشور پیروز در جنگ جهانی دوم) به امضا خواهد رسید. آمریکا، فرانسه و انگلیس مخالف این خواست اتحاد شوروی اند. همچنین کماکان در مورد هویت آلمان واحد در ناتو و یا بیطرف بودن آن میان ناتو و اتحاد شوروی اختلاف وجود دارد این اختلاف در جریان سفر بیکر به مسکو نیز آشکار شد.

بیانیه گالیانو تاکید می کند

شورشیان وقتی به خلع سلاح خود ادامه خواهند داد که مطمئن شوند رئیس جمهور جدید نیکاراگوئه می تواند "امنیت جانی و اقتصادی" افراد خلع سلاح شده کنتر را تامین کند.

با این حال نمایندگان دولت

چامورو اظهار داشتند روند خلع سلاح و انحلال گروه های کنتر متوقف نشده است. توافق کنتر و دولت چامورو پیش بینی می کند که تا دهم ژوئن همه افراد ضد انقلاب خلع سلاح شوند. تا تاریخ ۱۷ ماه مه، تنها ۱۰۳۴ نفر از ۱۷ هزار تن نیروی شورشیان، سلاحهای خود را به نمایندگان سازمان ملل متحد تحویل داده بودند.

اخبار کوتاه جهان

* در حالیکه دو هفته پیشتر به انتخابات بلغارستان باقی نمانده است، یک ائتلاف از ۱۶ حزب اپوزیسیون در این کشور خواهان به عقب افتادن موعد انتخابات شد. یک سخنگوی این ائتلاف گفت باید نخست از طریق انتخابات محلی ساختارهای نظام پیشین از میان برداشته شود. علاوه بر ائتلاف مزبور، حزب سوسیالیست (حزب کمونیست سابق) و "اتحادیه نیروهای دمکراتیک" در کارزار انتخاباتی شرکت دارند. اتحادیه اخیر، در برگزیده نیروهای اصلی اپوزیسیون است.

* اجساد سه تن از رهبران و مسئولان حزب کمونیست شیلی که در فاصله ژوئیه تا اوت ۱۹۷۶ توسط پلیس مخفی رژیم پینوشه روده شده بودند، در محوطه یک پادگان در شمال سانتیاگو یافته شد. به گفته سخنگویان سازمان بستگان "نابدید شدگان" شیلی،

یورش پلیس به تظاهرات دانشجویی در کره جنوبی



در روز یکشنبه ۲۰ ماه مه هزاران دانشجوی در شهر کوانگ جوی کره جنوبی در زد و خوردهای شدیدی با پلیس درگیر شدند. پلیس با گاز اشک آور به گردهمایی ۵ هزار دانشجو در دانشگاه این شهر حمله کرد. در این درگیری ها حداقل ۴۰ نفر از دانشجویان مجروح شدند. در روز شنبه ۱۹ ماه مه نیز در حدود ۲۵ هزار دانش آموز و دانشجو به مناسبت دهمین سالگرد سرکوب خونین تظاهرات کوانگ جو دست به تظاهرات زدند. در سال ۱۹۸۰، نیروهای پلیس و ارتش کره جنوبی در شهر کوانگ جو صدها تن از مردم شرکت کننده در جنبش دمکراسی را قتل عام کردند.

توضیح
در اکثریت شماره ۳۰۵، شماره حساب بانکی نشریه با یک عدد اضافی چاپ شده بود. شماره صحیح آن بدینگونه است:

حساب بانکی: M.ABD
NR. 35263011
37050198
Stadtsparkasse Köln
W. GERMANY

اکثریت
نشریه سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در خارج از کشور

حساب بانکی: M.ABD
NR. 35263011
37050198
Stadtsparkasse Köln
W. GERMANY

آدرس: Address: Ruzbeh
Postfach 1810
5100 Aachen
W. GERMANY

MONDAY 28. May. 1990